

باسمه تعالیٰ

# طلبگی

چی؟ چرا؟ چگونه؟

حوزة علمية کرمان

مدرسه علمیه محمودیه

## فهرست مطالب

## «طلبگی چی؟ چرا؟ چگونه؟»

۱.....	ضرورت نقشه راه.....
۳.....	فصل اول: چرائی طلبگی.....
۷.....	فصل دوم: چیستی طلبگی.....
۷.....	تعریف طلبه.....
۸.....	توضیح هر کدام از ویژگی‌های طلبه.....
۸.....	ویژگی اول: اسلام شناسی.....
۱۰.....	ویژگی دوم: خودسازی.....
۱۱.....	جنبه های خودسازی فردی.....
۱۲.....	جنبه های خودسازی اجتماعی.....
۱۴.....	جنبه های خود سازی عبادی.....
۱۴.....	ویژگی سوم: بصیرت.....
۱۷.....	ویژگی چهارم: روحیه اجتهادی.....
۱۸.....	ویژگی پنجم: روحیه جهادی.....

- ویژگی ششم: روحیه انقلابی..... ۱۹
- ویژگی هفتم: طیب دوآر..... ۲۰
- ویژگی هشتم: امامت..... ۲۱
- ویژگی نهم: تکلیف مداری..... ۲۴
- ویژگی دهم: اهداف جهانی..... ۲۵
- همت بلند..... ۲۶

## فصل سوم: چگونگی طلبگی..... ۲۸

مبحث اول: قواعد کلی..... ۲۸

۱- تلاش..... ۲۸

۲- تمرکز..... ۲۹

نوع اول: تمرکز شغلی..... ۳۰

شرط اول: پرهیز از پراکندگی..... ۳۱

بحث اول: اشتغالات غیر تحصیلی..... ۳۱

امر اول: فعالیت‌های خدماتی..... ۳۱

امر دوم: فعالیت‌های معیشتی..... ۳۴

بحث دوم: اشتغالات تحصیلی..... ۳۶

شرط دوم: استمرار..... ۳۹

نوع دوم: تمرکز فکری..... ۴۱

۳- معنویت..... ۴۳

۴- مراقبت از لحظات عمر..... ۴۵

۵- توان سازی..... ۴۷

۶- استقبال از سختی‌ها..... ۵۰

۷- خودت باش..... ۵۳

- مبحث دوم: راهبردها، راهکارها و برنامه‌ها..... ۵۴
- اسلام شناسی - راهبردها..... ۵۴
- ۱- تقوا..... ۵۴
- ۲- مطالعه منابع اسلامی..... ۵۵
- ۳- مطالعه تاریخ..... ۵۶
- ۴- تفکر و تدبّر..... ۵۷
- ۵- ولایت مداری..... ۵۷
- ۶- انسان شناسی، جامعه شناسی، جهان شناسی..... ۵۸
- اسلام شناسی-راهکارها..... ۵۸
- ۱- مراقبه..... ۵۸
- ۲- انس با قرآن..... ۵۸
- ۳- انس با احادیث..... ۵۹
- ۴- انس با ادعیه..... ۶۰
- ۵- انس با سخن و سیره امام جامعه..... ۶۱
- ۶- مطالعه آثار اسلام شناسان..... ۶۱
- ۷- سیر مطالعات تاریخ..... ۶۱
- ۸- گذراندن دوره طرح ولایت..... ۶۱
- ۹- خوب خواندن دروس حوزه..... ۶۱
- اسلام شناسی-برنامه‌ها..... ۶۲
- برنامه انس با قرآن..... ۶۲
- برنامه انس با احادیث..... ۶۶
- برنامه حفظ حدیث..... ۶۸

برنامهٔ انس با ادعیه..... ۷۰

برنامهٔ حفظ ادعیه..... ۷۰

سیر مطالعاتی هویت طلبگی..... ۷۳

برنامهٔ مراقبه..... ۷۵



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۲

### نقشه راه:

خواننده‌ی گرامی! شما که اکنون مشغول خواندن این نوشته هستی اگر هدفی از خواندن آن نداشتی هرگز مشغول خواندن آن نمی‌شدی چون بدون هدف، هیچگاه همت انسان برانگیخته نمی‌شود و تا همتی نباشد، حرکتی صورت نمی‌گیرد و موجود بدون حرکت یعنی یک موجود مرده و بی‌ثمر؛ و نیز اگر هدفی باشد اما گنگ و مبهم، ممکن است که حرکتی باشد اما این حرکت، چیزی نیست جز یک حرکت کور و کم‌ثمر.

ولی اگر شما هدفی روشن و قابل دسترسی داشته باشید، دارای همت و عزم خواهید شد و هر چه این هدف بزرگتر و باشکوه‌تر باشد، همت شما بلندتر و در نتیجه در نزد خداوند ارزشمندتر خواهید بود چون مولایمان علی (علیه السلام) فرمودند: قدرُ الرَّجُلِ عَلَىٰ قَدْرِ هِمَّتِهِ یعنی ارزش مرد به اندازه‌ی همت اوست.

یگانه عاملی که به یک انسان، هدف می‌دهد شناخت و آگاهی است، اگر شما نمی‌دانستی که خواندن این نوشته ممکن است کمکی به شما بکند، هدف شما به خواندن آن تعلق نمی‌گرفت؛ هر چه شما بیشتر به ارزش، اهمیت، حساسیت و تاثیرگذاری رسالت طلبگی پی ببرید و در این زمینه شناخت بیشتر و عمیق‌تری پیدا کنید، اهداف شما نیز واضح‌تر و بزرگ‌تر خواهد شد و در نتیجه، هم‌تی بلندتر و تلاش و حرکتی به مراتب بیشتر و مؤثرتر خواهید داشت.

ما در این نوشته به توفیق الهی برآنیم تا در حدّ وّسع، شما را نسبت به **چیستی** طلبگی بیشتر آشنا کنیم تا از این رهگذر، **چرایی** و **چگونگی** رسیدن نیز نمایان شود؛ ما معتقدیم اگر طلبگی به خوبی و به طور واضح و کامل تعریف شود و طلبه ما با تمام وجود و به خوبی جایگاه طلبگی را درک کند، دیگر جای چندانی برای تبیین چرایی طلبگی نمی‌ماند مثل اینکه اگر شما چِستی آب را به خوبی توضیح دهید دیگر نیاز ندارید که از اهمیت و دلایل نیاز به آن بگوئید، علاوه بر این، حتی مسیر رسیدن نیز تا حدود زیادی آشکار می‌شود و طلبه ما می‌فهمد که چقدر باید تلاش کند، چه برنامه‌ای باید داشته باشد، چه علوم و مهارت‌هایی باید کسب کند چون او دیگر می‌داند که چه باید بشود.

مهم این است که تو طلبه عزیز نقشه یک طلبه کامل را داشته باشی و بدانی که چه می‌خواهی بشوی و از خودت چه چیزی باید بسازی، در این صورت اگر ابزار و وسائل ساختن را هم ندانی که چیست خُب می‌پرسی اما وقتی ندانی که قرار است چه بشوی پس حتی نمیدانی از چه پرسی و اگر هم به تو بگویند که باید فلان کار را انجام دهی، فلان کتاب را بخوانی، فلان درس را شرکت کنی و... دائم در تردیدی که آیا واقعاً اینها من را به جایی می‌رسانند؟



و مهم‌تر این است که این نقشه دائم در دستت باشد و دائم با نگاه به آن، مسیرت، وسائل مورد نیازت و نوع تلاش‌هایت را مشخص کنی و آلا باز هم جز سرگردانی چیزی نصیبت نخواهد شد، پس مهم‌تر از خواندن این نوشته، مباحثه کردن و تکرار کردن و حفظ کردن آن است، چرا ما فکر می‌کنیم اگر به عنوان مثال قواعد صرف و نحو را به یاد نداشته باشیم طلبگی ما بر باد است اما دانستن و به یاد داشتن قواعد طلبگی ضرورتی ندارد؟ چرا تعریف فاعل و مفعول و تمییز و حال و صدها اصطلاح دیگر را بلد باشیم اما تعریف خودمان را ندانیم؟ آیا بدون یاد داشتن تعریف فاعل می‌توان آن را در جمله پیدا کرد؟ پس یقین بدانید طلبه‌ای که تعریف خود را یا نمی‌داند و یا فراموش کرده، هرگز نخواهد توانست خود را در لابلای جملات زندگی بیابد.

## فصل اول: چرا؟

داستان طلبگی از نوع نگاه ما به عالم آغاز می‌شود؛ اگر جهان را آفریده خدا و انسان را اشرف آفریده‌گان و دارای زندگی ابدی بدانیم آنگاه طلبگی معنا پیدا می‌کند.

بر اساس یک جهان بینی عاقلانه کمال سعادت انسان قرب ابدی الهی است و این میسر نمی‌شود جز با یک حیات طیبه در عالم دنیا که البته لوازمی داد؛ تدبیر در نوع آفرینش و ویژگی‌های انسان و تعمق در دینی که برای هدایت انسان به سمت این حیات فرستاده شده این مطلب را به خوبی می‌فهماند که رسیدن به این نوع حیات اولاً در گرو اجتماعی زندگی کردن و ثانیاً تلاش برای ساختن یک اجتماع طیبه انسانی است و الا انسانی که بخواهد تنها زندگی کند و یا در اجتماع باشد اما کاری به آن نداشته باشد هر چه هم که اهل عبادت و ریاضت باشد اما به آن کمال قرب و سعادت نخواهد رسید.

بنابراین می‌توان گفت اولین و ضروری‌ترین وظیفه اجتماعی، هدایت و سوق دادن جامعه به سمت حیات طیبه است که در زمان غیبت امام معصوم خداوند انجام این وظیفه را از عده‌ای خواستار شده است و از اینجاست که داستان طلبگی آغاز می‌شود و تشکیلاتی به نام حوزه باید اولاً با استخراج دستورالعمل‌های فردساز و جامعه‌ساز از منابع اسلام و ثانیاً با ابلاغ آنها به مردم و تربیت مردم جهت عمل و همکاری و ثالثاً با تشکیل حکومتی دینی برای اقامه دین، جامعه را به سمت سعادت و آن حیات طیبه مورد انتظار سوق دهد و هر روز به این هدف نزدیک‌تر کند.

با این نوع نگاه به عالم آیا می‌توانید شغلی (مشغولیتی) مهم‌تر و ارزشمندتر از طلبگی پیدا کنید اگر چه ممکن است با یک دید مادی به جهان هستی و انسان و به خاطر فرهنگ و سبک زندگی نشأت گرفته از این نوع نگاه، طلبگی یک کار بی‌معنا و یا کم‌اهمیت و یا مخصوص آدم‌های درمانده و منزوی جلوه کند اما مسأله این است که ما آمده‌ایم که اتفاقاً همین نوع نگاه به عالم را و زندگی شوم نشأت گرفته از آن را اصلاح کنیم و به جای تاریکی و عقب ماندگی و نادانی، به بشریت حیات طیبه را روشنائی را و معرفت را هدیه کنیم.

پس قبل از همه باید خودِ ما نگاهمان را به طلبگی عوض کنیم باید به عنوان عزت‌مندترین شغل دنیا به آن عشق بورزیم و برای رسیدن به اهدافش تا جان در بدن داریم بدون خستگی و سستی تلاش کنیم و در این مسیر لحظه به لحظه توفیقات الهی را خواستار باشیم.

حالا یک سؤال اساسی: از دست من طلبه چه کمکی برای رسیدن به آرمان حیات طیبه اجتماعی برمی‌آید؟

چنانچه گذشت برای ما طلبه‌ها سه حیطة کلی برای خدمت در راستای تحقق جامعه آرمانی اسلامی وجود دارد:

- استنباط و پژوهش
- تبلیغ و تربیت
- مدیریت و اجرا

البته هر کدام از این سه درخت، شاخه و برگ‌های فراوانی دارند یعنی مسیرهای فراوانی برای خدمت وجود دارد که البته همگی به این سه سرفصل اصلی ختم می‌شوند

و ما در این نوشتار قصد بیان این مطلب را نداریم چون آنچه که برای یک طلبه مهم است این است که بداند اگر در دوره تحصیل مسیر درستی را طی کند خداوند با عنایت خود، او را در یک مسیر صحیحی برای خدمت هم قرار خواهد داد بنابراین نگرانی و وسواس و یا تصمیم‌گیری درباره آینده شغلی در اوائل طلبگی کاملاً بی‌مورد است پس بهترین کاری که در ایام طلبگی از دست ما برمی‌آید این است که یک برنامه خوب، حساب شده و جامع و کامل برای ساختن خود داشته باشیم، این توصیه‌های رهبر فرزندان را ببینید:

*من از قبل از پیروزی انقلاب به رفقای طلابمان می‌گفتم بی مایه فطیر است باید مایه داشته باشید باید درس بخوانید، آن عالم مبارزی که ذخیره قابل توجهی به دست آورده است می‌تواند مفید باشد، امام بزرگوار ما که توانست با آن دست قدرتمند خود دنیائی را متحول کند اگر عالم نبود نمی‌شد.*

## فصل دوم: چی؟

حالا ببینیم از خودمان چه چیزی باید بسازیم تا با آن هدف والائی که برای طلبگی بیان شد تناسب داشته باشد؛ پس ابتدا باید طلبه مطلوب را تعریف کنیم چون تا معلوم نباشد که یک طلبه موفق و کارآمد برای جامعه اسلامی چه تعریفی دارد همه سردرگم خواهند بود و همین منجر به توصیه‌ها و برنامه‌های متفاوت و بعضاً متضاد می‌شود و هیچ‌گاه سازمان روحانیت نظام و انسجام پیدا نمی‌کند، پس ما ابتدا با تعریف طلبگی مقصد را مشخص می‌کنیم تا بعد از آن بتوانیم به نقشه برسیم.

ما طلبگی را در سه سطح تعریف می‌کنیم:

**سطح اول:** تحقق مسمای طلبگی: یعنی حداقل طلبگی دارا بودن ویژگی‌های ذیل است و الا به فردی بدون این ویژگی‌ها اصلاً طلبه نمی‌توان گفت:

• اسلام شناسی که خود عامل به تعالیم اسلام است و معتقد به حکومت و ولایت فقیه و مهم‌ترین و بیشترین مشغولیتش خدمت به اسلام در کسوت روحانیت است.

**سطح دوم:** طلبه موفق:

• اسلام شناسی که خود عامل به اسلام است، اهل بصیرت و آگاهی‌های سیاسی است، اگر چه ممکن است به درجه اجتهاد نرسیده باشد اما در روش و منش خود مجتهدانه عمل می‌کند و حداقل در یک زمینه دارای تخصص

است، او دارای روحیه جهادی و انقلابی است، در امر تربیت و هدایت همچون طبیعی است دوار، در تمام مراحل زندگی تکلیف مدار است و سخت معتقد است که تنها شکل حکومتی که می‌تواند یک جامعه ایده‌آل بسازد حکومت اسلامی به رهبری ولی فقیه در قالب نظام امامت است و خود نیز شأن و توانایی امامت در جامعه مسلمین را پیدا کرده است. او بزرگترین هدف خود را جهانی شدن این حکومت می‌داند.

### سطح سوم: طلبه ایده‌آل:

● او نه تنها تمام ویژگی‌هایی که برای طلبه موفق بیان شد را داراست بلکه به درجه اجتهاد نیز نائل شده است و در یک کلمه او انسانی است کامل و رشد یافته در تمام ابعاد به طوری که جزء برترین‌های زمان خود است. حالا باید هر کدام از این ویژگی‌ها شرح داده شود تا بعد از آن به طراحی یک برنامه جامع برای کسب این ویژگی‌ها پردازیم.

## اسلام شناسی:

اسلام شناسی که مد نظر ماست و طبق آیه شریفه نفر<sup>۱</sup> مأمور به آن هستیم دارای اصولی است:

۱- جامعیت: به این معنا که باید همه زوایای اسلام و تعالیم آن را مطالعه کرد، مطالعه بخشی از اسلام باعث کج فهمی یا سطحی نگری و در نتیجه تعصبات بیجا می‌شود.

۱- «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة ليتفقوا فی الدین...»

۲- نظام مندی: یعنی حالا که همه بخش‌های دین را مطالعه کرده باید همه را کنار هم بگذارد و ارتباط همه اجزا با یکدیگر را بفهمد تا به سیستم حاکم بر آنها دست پیدا کند.

۳- صحت: باید تعالیم، گزاره‌ها و مفاهیم دینی را صحیح و مطابق با منظور اسلام درک کرد، نباید فهم ناقص و یا غلط خود را به دین نسبت داد.

۴- مستند بودن: شناخت اسلام باید مستند به منابع معتبر و اصیل اسلام باشد و فهم اسلام از روی ادله ضعیف یا برداشت‌ها و سلیقه‌های شخصی فهمی غیر معتبر است، منابع اصیل اسلام یکی وحی است در قالب قرآن کریم، دوم قول معصوم است در قالب احادیث و ادعیه معتبر و سوم سیره عملی معصوم است که باید در منابع معتبر تاریخ ۲۵۰ ساله حیات معصومین (علیهم السلام) آن را جستجو کرد.

در نتیجه هر شناختی از اسلام بدون هر کدام از این چهار اصل، شناختی ناقص است اگر چه صاحب آن دارای اطلاعات دینی فراوانی هم باشد، از همین جا می‌توان نتیجه گرفت که اسلام شناسی و اجتهاد دو مقوله جدا از هم هستند، اجتهاد یک مهارت است که با آن می‌توان به تحقیق در منابع دین و برداشت مستند از آنها پرداخت و این غیر از اسلام شناسی است و به این معنا نیست که یک مجتهد حتماً رفته و از مهارتش برای شناخت کامل اسلام بهره برده است، حضرت امام (رحمه الله علیه) در این زمینه می‌فرمایند:

«فقیه حق ندارد بگوید که من اسلام شناسم فقیه باید بگوید من فقه شناسم، من فقه اسلام را می‌شناسم؛ فیلسوف حق ندارد بگوید من اسلام شناسم، این بگوید من یک قسمی از مثلاً معقولات اسلام را ادراک کردم، آن هم که حکومت اسلامی را بررسی کرده حق ندارد بگوید من اسلام شناسم، بگو من حکومت اسلام شناسم، آن که همه جهات اسلام را

بداند که چه جوری است و همه مراتب معنویت اسلام و مادیت اسلام را بداند او می‌تواند بگوید من اسلام شناسم ۱۳۵۸/۴/۱۷ «

چنین اسلام شناسی این آثار را هم به دنبال خواهد داشت:

\* پی بردن به مقاصد و مرام اصلی اسلام

\* شناخت اولویّت‌ها و اهمّ و مهم‌ها و تشخیص آنها در شرائط سخت و پیچیده

\* فهم عمیق و درست مفاهیم، ارزش‌ها و احکام دینی

\* ندیدن تضادّ و تعارض بین دستورات اسلام

\* پی بردن به عمق اهداف ولیّ و عدم احساس تضادّ بین خواسته‌ها و سیاست-

های او با دین و یا با یکدیگر

\* اعتقاد به اسلام به عنوان کامل‌ترین و عالی‌ترین برنامه برای زندگی مادی و

معنوی و پی بردن به جذّابیت‌های آن

\* پذیرش اسلام با سینه‌ای گشاده<sup>۲</sup> و با جان و دل و آماده هر نوع فداکاری شدن

برای اسلام

## خودسازی:

انسان موجودی است پیچیده با ابعاد وجودی فراوان، پس برای رسیدن به کمال

انسانی نمی‌توان فقط به بعضی از این ابعاد توجه کرد به همین دلیل اسلام به همه این

ابعاد و همچنین رابطه و نسبت آنها با یکدیگر توجه کرده و یک برنامه بسیار دقیق برای

رشد همه جانبه انسان در اختیار قرار داده پس یک اسلام شناس کامل با عمل کامل به



اسلام تبدیل به انسانی کامل خواهد شد، حالا می‌توان بعضی از آن جنبه‌ها و بعضی از تعالیم اسلام را در مورد هر یک، در سه ساحت دسته بندی کرد و اینچنین تبیین نمود:

### ساحت اول: طلبه در ارتباط با خود:

#### از جنبه معنوی:

اهل توجه و حضور، مأنوس با خلوت و تنهایی و تفکر، اهل مراقبه و محاسبه، اهل مبارزه با نفس و تحمل سختی‌ها، اهل عبادت و توسل، مأنوس با مرگ

#### از جنبه اخلاقی:

صبور و بردبار، شجاع، مهربان و رؤوف، مقتدر و با صلابت، دارای عزت نفس، خوش زبان و خوشرو، دارای عفت، مؤدب به آداب اسلامی

#### از جنبه عقلانی:

معتقد به تعقل و تعبد در کنار هم، عمیق و ژرف اندیش و به دور از سطحی نگری، آینده نگر و عاقبت اندیش، کلان اندیش و کلّ نگر، واقعیت گرا، اهل تفکر و تدبیر، آزاد اندیش و مستقل

#### از جنبه همت و اراده:

راضی نشدن به داشته‌ها و فعالیت‌هایش، امیدوار و خوش بین به آینده، تحول خواه و سدّ شکن، دارای اهداف تمدنی و جهانی

#### از جنبه عملی:

جهادی و انقلابی، منظم و قاعده‌مند و با برنامه، اهل حساب و تدبیر و به دور از عجله و اضطراب، حساس روی وقت و ایام عمر، اهل بهره برداری از فرصت‌ها

### از جنبه علمی:

جستجوگر و پرسشگر، اهل مطالعه و تحقیق، اهل خلاقیت، نوآوری و تولید، اهل دلیل و حرف محکم

### از جنبه عاطفی:

دارای احساس و محبت به جا، به دور از احساسات و هیجانات بی جا و مخرب، دارای توان کنترل احساسات و عواطف

### از جنبه جسمی:

معتقد و ملتزم به تغذیه و طب اسلامی، اهل نشاط و تحرک، اهل مراقبت از سلامتی، اهل کار و زحمت کشی، خوش پوش و تمیز و منظم، حساس نسبت به نظافت و نظم محیط زندگی

### از جنبه اقتصادی:

دقت شدید در حلال و حرام، اهل قناعت و دوری از تجملات، معتقد به لزوم بهره مندی اتمّ مومنین از مواهب الهی، رعایت اولویت ها در هزینه کرد، صرفه جو و غیر مسرف، بخشنده و دست و دل باز، دارای عزت نفس در امور مادی، خوش حساب

## ساحت دوم: طلبه در ارتباط با خلق:

### از جنبه خانوادگی:

معتقد به خانواده به عنوان اساسی ترین پایگاه جامعه سازی اسلامی، ارتباط صحیح، مشفقانه و ناصحانه نسبت به تمام اعضاء خانواده، اهل صلّه رحم، حافظ کرامت و جایگاه واقعی زن، اهل کار و مسئولیت پذیری در خانواده، اهتمام به تربیت فرزندان.

### از جنبه اجتماعی:

متواضع و فروتن، ایثارگر و فداکار، اهل خدمت رسانی، دوستدار خلق، مسئولیت پذیر، قانون مدار، اهل مشارکت و کار جمعی، اهل امر به معروف و نهی از منکر

### از جنبه سیاسی:

دارای بصیرت و آگاهی‌های سیاسی، کیس و هوشمند، معتقد و ملتزم به حکومت اسلامی و ولایت مطلقه فقیه، اهل تولی و تبری، اهل حضور فعال در صحنه‌های لازم

### از جنبه فرهنگی:

معتقد و ملتزم به سبک زندگی اسلامی در تمام ابعاد، مخالفت زبانی و عملی با فرهنگ‌های ضد دینی و مظاهر آن، مراعات کننده رسم و رسوم غیر منافی با تعالیم دینی، هوشمند و روشمند در اصلاح فرهنگ و سبک زندگی مردم

### از جنبه صنفی:

معتقد به جایگاه رفیع حوزه و روحانیت، حفظ و دفاع از این جایگاه با قول و فعل، آشنا با رسالت و اهداف حوزه و روحانیت، رعایت آداب و زی طلبگی، اعتماد به وعده الهی نسبت به تامین روزی اهل علم، دوری از فعالیت‌های غیر طلبگی برای کسب درآمد

### از جنبه زیست محیطی:

دوستدار طبیعت و مخلوقات الهی، معتقد به ذی شعور بودن موجودات و تاثیر اعمال ما بر روی آنها، دلسوزی و محافظت از محیط زیست، اهتمام به نظافت و تمیزی محیط زیست

## ساحت سوم: طلبه در ارتباط با خدا:

### از جنبه اعتقادی:

معتقد به هر دو جنبه قلبی و عینی اصول دین، دارای نگاه موحدانه به عالم، اهل توکل، اهل رضا، اهل حسن ظن به خدا

### از جنبه شرعی:

تکلیف مدار، متعبد و مطیع، اهل اهتمام به واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات، دارای غیرت دینی

### از جنبه عبادی:

اهل اخلاص، اهل نماز اول وقت، اهل جماعت و جمعه و مسجد، اهل سحر و شب زنده داری، اهل توسل و روزه و گریه، مأنوس با قرآن و روایات و ادعیه، دائم الوضوء

## بصیرت:

می توان گفت بصیرت سه اصل دارد:

### • کلان نگری در عین توجه به جزئیات<sup>۳</sup>

۱- نگرش سه نوع است: جزئی، کلی، کلان؛ نگرش کلی یعنی شما بعد از دیدن اجزاء، آنها را در قالب یک مجموعه بنگرید و به ارتباط و نسبت بین اجزاء با یکدیگر توجه کنید به عنوان مثال شما پارچه ای را با رنگ سبز می بینید و مجذوب آن می شوید به این می گویند نگاه جزئی اما وقتی این رنگ را در قالب یک پرده با جزئیات دیگری مثل مدل دوخت آن در نظر می گیرید به این نتیجه می رسید که جالب نمی شود این نتیجه نگاه کلی است، نگرش کلان این است که شما بتوانید مجموعه ها را با هم ببینید و ارتباط و نسبت آنها را با یکدیگر و همچنین ارتباط و نسبت اجزاء آنها را با اجزاء یکدیگر در نظر

● ژرف اندیشی در عین توجه به ظواهر

● آینده نگری در عین توجه به واقعیات

هر کدام از این سه اصل در کنار دو اصل دیگر آثار و نتایجی به بار می آورد که می توان بعضی از آنها را به این صورت تبیین کرد:

\* به نحوه ارتباط و نظامات حاکم بر حوادث و امور دست می یابد در نتیجه چگونگی تاثیر و تاثر آنها را بر یکدیگر می فهمد و می تواند علل وقوع حوادث و حکمت جعل احکام و قوانین را بیابد.

\* به راحتی می تواند آینده را پیش بینی کند.

\* راه های جلوگیری از تکرار حوادث را پیدا می کند.

\* اصلی و فرعی، اهم و مهم و اولویت ها را تشخیص می دهد.

\* دچار حواشی نمی شود

---

بگیرید، در همان مثال پرده ممکن است وقتی دقت کنید ببینید پرده شما با رنگ سبز پرده زیبایی می شود ولی با محیط خانه شما هماهنگ نیست و خوب از کار در نمی آید این نتیجه نگاه کلان شماست حالا در مسائل سیاسی به عنوان مثال ممکن است شما دولت بر سر کار را به خاطر عملکرد ضعیفش قابل دفاع ندانید اما رهبر نظام از آن دفاع کند چون او با نگاه کلان خود می بیند که مثلاً تضعیف و عدم حمایت از دولت در شرائط جنگ با دشمن خارجی باعث تضعیف نظام و جرأت پیدا کردن دشمن می شود حالا اگر شما به فلسفه رفتار رهبرتان پی نبرید ممکن است شکمی در دلتان بیفتد اما اگر در چنین موقعیت هایی به جای اعتماد به برداشت شخصی خود به درک و فهم رهبر خود مراجعه کنید و به انتظار رفتار او بنشینید و بعد سعی کنید فلسفه رفتار او را بیابید همین یک تمرینی است که ممارست با آن کم کم شما را به یک نگاه بصیرانه می رساند و به جایی می رسید که به راحتی می توانید رفتار امام خود را تحلیل کنید و حتی دیگران را نیز عمّارگونه آگاه کنید و همگی با هم به یاری امام خود بشتابید نه اینکه سدّ راه او شوید.

انسانی که ژرف اندیش است:

\* به راحتی فریب ظواهر و ظاهرسازی‌ها را نمی‌خورد

\* صبرش زیاد است و دچار عجله و شتاب نمی‌شود

\* رفتار رهبران با تدبیر برایش قابل فهم است بنابراین تاثیر عمیق و بلندمدت

حرکات آنها را به خوبی می‌فهمد

\* می‌تواند تصمیماتی بگیرد و حرکتهائی بکند که تاثیر بسیار عمیق و طولانی

مدت داشته باشد

\* دوست و دشمن را به خوبی تشخیص می‌دهد

\* اهداف و نقشه‌های دشمن را می‌فهمد و فریب نمی‌خورد

و اما یک انسان آینده نگر اینگونه است که:

\* در کنار برنامه‌های کوتاه مدت دارای برنامه‌های حساب شده‌ای برای به دست

گرفتن زمام امور و حوادث آینده است

\* به دنیا و نسل بعد از خود بی تفاوت نیست

\* نقشه‌ها و حرکات بعدی دشمن خود را پیش بینی می‌کند و راه خنثی کردن

حرکات او و سپس ضربه زدن به او را می‌یابد

\* دارای همت بلند و اهداف عالی است

\* پر از شور و نشاط و امید و فعالیت است

\* از پرداختن به امور حقیر خودداری می‌کند

## روحیه اجتهادی

ممکن است هر طلبه‌ای نتواند به سطح اجتهاد برسد و یا این امر برای هر طلبه‌ای ضرورت نداشته باشد اما دارا بودن روحیه و منش اجتهادی برای هر طلبه‌ای ضروری است و منظور از روحیه اجتهادی دارا بودن ویژگی‌های ذیل است:

\* هر حرفی را که می‌زند با اتقان و ادله محکم همراه است و بدون سند معتبر حرفی نمی‌زند، کاری نمی‌کند و تصمیمی نمی‌گیرد

\* شیوه استدلال و اعتباربخشی به نظریه‌اش را می‌داند

\* منابع و اسناد و ادله را خوب می‌شناسد و خوب می‌تواند از آنها برداشت کند

\* از دیگران نیز حرفی را بدون دلیل و از روی تقلید کورکورانه نمی‌پذیرد

\* جستجوگر و کنجکاو است، نسبت به یافتن پاسخ شبهات و سؤالات و حل

مسائل بی تفاوت نیست

\* نمی‌توانم و پیدا نمی‌شود و حل نمی‌شود در مرام او نیست و می‌داند که هر

سؤالی بالاخره جوابی دارد و می‌گردد تا پیدا کند

\* از ارائه نظریات جدید هیچ ترسی ندارد و برای اثبات آنها تا آخر می‌ایستند

چون می‌داند که تحول بالاخره باید از یک نقطه‌ای آغاز شود.

\* به نظر دیگران نقد می‌زند اما با کمال تواضع و حفظ شئون و جایگاه‌ها

\* هیچ وقت به آنچه که می‌داند اکتفا نمی‌کند و دائم در حال افزایش و یا تعمیق

معلومات خود است

## روحیه جهادی:

یک طلبه جهادی اینگونه است که:

- \* از تلاش خسته نمی شود
- \* بدون چشم داشت کار می کند
- \* کار را ضربتی اما کامل انجام می دهد
- \* مسئولیت پذیر و متعهد است
- \* در هر کاری که تکلیف اقتضا کند پیش قدم است
- \* از امکانات موجود بیشترین بهره را می برد و به انتظار چیزی نمی نشیند
- \* توانائی های خود و دیگران را کاملاً باور دارد و به بیگانه تکیه نمی کند
- \* خطر پذیر و اهل ریسک عاقلانه است
- \* دارای چابکی و ابتکار در عمل است

## روحیه انقلابی:

طلبه انقلابی طلبه ایست که:

- \* هرگز به وضعیت موجود دل خوش نمی کند و همیشه دنبال ایجاد انقلاب و

اصلاح و بهبود اوضاع است



- \* آرمان‌گرا است، یعنی همیشه به اهداف بلند می‌اندیشد و هرگز راضی به تغییرات کوچک و سطحی نمی‌شود
- \* اهل مبارزه است و در راه رسیدن به اهدافش از هیچ فداکاری دریغ نمی‌کند
- \* هرگز با دشمن خود سازش نمی‌کند
- \* زیر بار هیچ ظلمی نمی‌رود و در مقابل هیچ ستمی ساکت نمی‌نشیند.
- \* بر سر اهداف و شعارهایش ثابت قدم و استوار است
- \* از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای ترس و واهمه ندارد
- \* تبعیت مطلق از ولی و رهبر خود دارد و هرگز خودسرانه کاری انجام نمی‌دهد
- \* دائم در تلاش است تا دیگران را نیز به جریان انقلاب و مبارزه پیوند دهد و ریزش‌ها را به حداقل برساند.

## طیب دوا:

یکی از مهم‌ترین وظایف روحانیت، ارشاد و اصلاح و هدایت است، نمی‌شود یک طلبه نسبت به شخص انسان‌هایی که به آنها برخورد می‌کند بی تفاوت باشد اصلاً ماهیت طلبگی به همین است که هر انسانی در برخورد با شما بهره‌ای از هدایت بگیرد، که گاهی یک جمله یا فقط یک نگاه یا یک اخم یا یک لبخند کار خود را می‌کند و تاثیر خودش را می‌گذارد پس نمی‌شود گفت مثلاً آقا من یک محققم من یک استاد حوزه‌ام من یک قاضی‌ام، وظیفه من این است که به کار خودم پردازم؛ شما در هر سمت و

جایگاهی که باشید بدون شک حداقل نسبت به انسان‌هایی که به آنها برخورد می‌کنید وظیفه دارید؛ برای اینکه مطلب آشکارتر شود ببینید طبیب دوار کیست:

\* طبیب دوار با تأسی به پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام در هر سمت و جایگاهی که هست رسالت اصلی خود را ارشاد و موعظه و دستگیری از خلق خدا می‌داند

\* گوشه گیر و منزوی نیست و در بین مردم حضوری فعال دارد

\* او به انتظار مراجعه مردم و یا حاکمیت نمیشیند بلکه با حضورش در بین مردم و یا در مناسبات حکومتی سعی در شناخت انواع مشکلات و معضلات و برطرف کردن آنها دارد

\* تبلیغ و ارشاد را منحصر به مکان و زمانی خاص یا شرائطی ویژه نمی‌داند و از کوچک‌ترین فرصت‌ها بیشترین بهره‌ها را می‌برد و کار خود را انجام می‌دهد (گاهی در حین عبور از یک خیابان، گاه در حال رانندگی یا در صف نانوائی یا در تاکسی، گاهی در بیمارستان یا در سفر یا در استخری که برای شنا رفته و یا در یک میهمانی مثل مراسم عروسی، شاید در یک رستوران یا یک اداره که برای انجام کارش رفته یا در بازاری که برای خرید رفته، شاید هم در حین بازی با فرزندش یا در حین تماشا کردن یک سریال با خانواده‌اش و یا هنگام نشستن سر سفره هفت سین یا سر سفره غذا و خلاصه در همه جا و در هر زمانی و با هر وسیله‌ای از هر فرصتی برای بیدار کردن و متحول کردن انسان‌ها بهره می‌برد.)

\* از هر ابزاری که بتواند برای راهنمایی مردم بهره می‌برد و می‌داند گاهی یک

جمله کوتاه در یک موقعیت مناسب می‌تواند زندگی یک انسان را زیر و رو کند

\* تاثیرگذارترین نوع تبلیغ و موعظه را دعوت عملی می‌داند بنابراین سعی می‌کند در اعمال و رفتارش الگوئی تاثیرگذار باشد و با سبک زندگی و نحوه حضور و بروزش در بین مردم آنها را به خوبی‌ها دعوت کند

\* واقعاً عاشق خلق خدا و هدایت آنهاست بنابراین خطاهای مردم او را از کوره به در نمی‌برد و با دلسوزی و سعه صدر تمام با آنها برخورد می‌کند.

\* به سؤال‌ها و درخواست‌ها با صبر و حوصله و جدیت و کامل جواب می‌دهد

\* بیمار خود را رها نمی‌کند بلکه مثل یک طبیب قدم به قدم او را در طی مراحل درمان همراهی می‌کند

\* هنر دارد و می‌داند چگونه کارش را انجام دهد که به کسی اهانتی نشود یا دزدگی برای کسی ایجاد نشود و یا او را متهم به مقدس‌مآبی یا افراط نکنند

\* نحوه ارتباط گیری و انس گرفتن با مردم را خوب می‌داند و با فعل و سخنش به زیبایی آنها را جذب می‌کند

\* به خوبی می‌داند که نزدیک‌ترین کسانی سزاوارترین خلق خدا نسبت به دستگیری اویند پس هرگز از خانواده، اقوام، دوستان و همسایگانش غفلت نمی‌کند و آنها را در اولویت تمام فعالیت‌های تبلیغی خود قرار می‌دهد.

\* فقط افراد را محتاج هدایت نمی‌داند بلکه جمع‌ها، تشکله‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها و همه تصمیم‌گیران و مجریان اجتماعی را نیز نیازمند هدایت و راهنمایی در راستای وظائف و مسئولیت‌هایشان می‌داند و با احاطه‌ای که دارد از کمک کردن به آنها نیز دریغ نمی‌کند.

## امامت:

تحقق جامعه اسلامی ایده‌آل در گرو تشکیل نظام امت و امامت است که بشریت بعد از تجربه تمام سیستم‌های اداره یک جامعه در نهایت به همین نتیجه خواهد رسید که برای نیل به سعادت و یک زندگی رضایت‌بخش راهی جز همین طرح مدیریتی اسلام ندارد؛ در این نظام که مشروعیت آن اراده خداوند است، جامعه خود بخود یک رئیس دارد که تنها لیاقت اوست که به او این شأنیت را داده است چون او بهترین اسلام شناس و زمانه شناس و با تقواترین و مدبّرترین فرد زمانه خود است و از همین جهت است که اکثر انسان‌ها خودبخود مجذوب و مطیع او می‌شوند و همین بهترین ضمانت برای اجرائی شدن فرامین اوست.

حالا اینجا یک سؤال مطرح می‌شود که آیا یک جامعه کلان و گسترده با مناطق و جمعیت فراوان فقط با حضور امام در رأس آن یعنی در سطح کلان آن، به خوبی اداره خواهد شد؟ برای روشن شدن مطلب چند سوال دیگر مطرح می‌کنیم:

آیا امام و رهبر چنین جامعه‌ای آن را برای تدبیر کامل و دقیق به مناطق متعددی تقسیم نمی‌کند؟ در این صورت رئیس هر منطقه چه کسی باشد؟ آیا عقلی که به راحتی حکم می‌کند رئیس جامعه باید جامع‌ترین و کامل‌ترین فرد از جهت اسلام شناسی و تقوا و مدیریت و سیاست و شجاعت باشد اینجا حکم نمی‌کند که رئیس هر منطقه هم باید اینچنین باشد؟ اگر تنها طرح موفق اداره جامعه وجود امامی در رأس آن با آن ویژگی‌های خاص باشد پس تنها طرح کارآمد اداره هر منطقه‌ای هم همین است و باز همین اصل برای قریه‌ها و محله‌های هر منطقه‌ای هم وجود دارد یعنی امام هر منطقه برای تدبیر دقیق منطقه خود باید برای هر قریه و محله رئیسی منصوب کند، حالا برای این سمت

چه کسی بهتر از یک اسلام شناس با تقوای سیاسی که ریاست و تدبیر امور دین و دنیای مردم را به عهده بگیرد در حالی که به خاطر همین ویژگی‌ها و لیاقت کاملش امت محله به او عشق می‌ورزند و برای اطاعت از او افتخار می‌کنند.

بدون چنین نظام و تشکیلاتی امام جامعه نمی‌تواند ولایت خود را به طور کامل اعمال کند و بخش اعظم مدیریت او منحصر به سطح کلان جامعه می‌شود اما اگر شبکه و نظام امامت شکل بگیرد کوچک‌ترین بخش‌های جامعه نیز به طور مستقیم از برکات ولایت بهره‌مند می‌شوند و همه حضور امام و آثار او را به خوبی حس می‌کنند و شأن ریاست و نظارت و هدایت و تعلیم و تربیت امام از کلان تا خرد جامعه را فرا می‌گیرد، بنابراین بخش‌ها و سطوح پائین‌تر جامعه هم نیاز به ولی فقیه دارند تا همگی در ذیل رهبری کل، اهداف منطقه‌ای و محله‌ای را نیز محقق نمایند.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین رسالت حوزه‌های علمیه برای یاری نظام اسلامی و تمدن‌سازی اسلامی همین باشد که بهترین استعدادها را در این زمینه شناسایی کرده و به تربیت و آماده کردن آنها برای امامت در جامعه مسلمین بپردازند ولی متأسفانه حوزه علمیه فعلاً در این زمینه برنامه حساب شده و مدوتی ندارد بنابراین خود طلب‌ها هر کدام که می‌بینند در این زمینه از موهبت‌های الهی برخوردارند به عنوان واجب کفائی باید خود را از الان طوری بسازند تا بتوانند در آینده به عنوان یک امام به گسترش و توسعه نظام امت و امامت یاری رسانند.

## تکلیف مداری

یک طلبه تکلیف مدار تصمیم‌گیری‌هایش، کار و مشغولیت و مسئولیت‌هایی که به عهده می‌گیرد و حتی فکر کردن‌هایش بر اساس تکلیفی است که طبق موازین صحیح تشخیص داده است بنابراین می‌توان برای او این خصوصیت‌ها را نام برد:

\* چنین طلبه‌ای ملاکش برای فکر و تصمیم‌گیری و عمل فقط رضایت خداست

\* از روی تنبلی و سستی تکالیف خود را زیر پا نمی‌گذارد

\* به خاطر شرم و خجالت تکالیف خود را رها نمی‌کند

\* به بهانه‌های واهی از جمله نمی‌دانم، نمی‌شود، پس چرا دیگران نمی‌کنند،

شرائط فراهم نیست و... از زیر انجام تکالیف خود شانه خالی نمی‌کند

\* آدمی نیست که با نگاه کردن مداوم به دهان دیگران هر روز تصمیم یا مسیر

خود را عوض کند

\* اجازه نمی‌دهد هیجان و عجله، لجاجت و خودسری و نیت‌های ناپاک، قدرت

تشخیص صحیح تکلیف را از او سلب کنند

\* اگر چه رسیدن به نتیجه برایش مهم است اما نرسیدن به نتایج دلخواه او را از

انجام تکلیف باز نمی‌دارد.

## اهداف جهانی

یک طلبه ایده‌آل آرمان و هدف بزرگش جهانی شدن تمدن اسلام و در نهایت، حکومت جهانی اسلام است و هرگز آن را دور از انتظار و یا موکول به زمان حضور امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمی‌داند.

سؤال اینجاست که ما برای رسیدن به این هدف چه چیزی کم داریم تا آن را غیر قابل دسترسی بدانیم و ساده اندیشانه آن را وظیفه امام زمان(ارواحنا له الفدا) تلقی کنیم؟ آیا ما چیزی کمتر از جبهه کفر داریم در حالی که آنها تمدن و سیطره خود را به راحتی جهانی کردند؟ یا به عکس، دارائی‌های ما چند برابر آنهاست، منبع لایزال اسلام، نصرت-های ویژه الهی، هدایت‌های امام زمان(عج)، تمدن و تاریخ چند هزار ساله، نیروی ایمان و منابع انسانی و طبیعی کافی دارائی‌هایی است که دشمن ما از آنها بی بهره است.

حالا اگر ما توانائی این کار را داشته باشیم پس عده‌ای طبق چه منطقی تحقق حاکمیت جهانی اسلام را مشروط به حضور امام عصر(عج) می‌دانند؟ اگر قرار است همه چیز با حضور ایشان و با نیروی اعجازشان اصلاح شود پس چرا ۱۲۰۰ سال پیش این کار را نکردند یا چرا امامان قبلی از این راه وارد نشدند و اما اگر قرار است این امر از مسیر طبیعی و با یاری مؤمنین محقق شود که بحمد الله و به برکت انقلاب اسلامی هم اکنون مؤمنین عالم پای کارند و اگر تعدادشان کم است یا کیفیت ایمان ضعیف است راهش نشستن و چشم دوختن که نیست بلکه حضرت امام (ره) قیام کرد تا مؤمنین هم قیام کنند و هر روز کمیّت و کیفیت خود را افزایش دهند و این انقلاب را در تمام عالم بگسترانند نه اینکه بنشینند و چشم بدوزند تا کسی از راه برسد و همه چیز را با یک گوشه چشم آباد کند، این با کدام منطق اسلام سازگار است .

منطق اسلام ایمان و عمل است، منطق اسلام حرکت و قیام است، منطق اسلام فرصت دادن به انسان‌ها برای رشد است و الا اگر قرار بود در آخر زمان همه جا به یکباره با یک نیروی ماورائی گلستان شود پس این همه خون دل خوردن و صبر کردن پیامبران به پای بشر در طول هزاران سال برای چه بود؟ بنابراین همین منطق اسلام حکم می‌کند که اصلی‌ترین فلسفه غیبت، فرصت دادن به بشریت برای رشد و بالندگی باشد و تا بشر به آن رشدی که می‌تواند در دوره غیبت به آن دست پیدا کند نرسد خبری از حضور امام زمان (عج) نیست.

مطلب دیگری که باید در پایان این بخش به آن اشاره کنیم اینکه چرا یک طلبه ایده‌آل باید اهدافی چنین بزرگ و بلند برای خودش مد نظر بگیرد؟ پاسخ اینکه چون:

\* آرمان خواهی و چشم دوختن به اهداف بلند، انگیزه و امید انسان را برای تلاش کردن می‌افزاید

\* افسردگی‌ها و خستگی‌ها را زدوده و نشاط و حرکت و جنب و جوش می‌آورد

\* تمام نیروها را جمع کرده و تلاش انسان را مضاعف می‌کند

\* سرگردانی و تحیر را از بین برده و به انسان جهت می‌دهد

\* انسان را وادار به برنامه ریزی و حرکت در چارچوب مشخص می‌کند

\* انسان را از پرداختن به کارهای حقیر، پراکنده و کم فایده باز می‌دارد



## فصل سوم: چگونه؟

حالا نوبت می‌رسد به بیان اینکه چگونه می‌توان یک طلبه موفق شد:

در اینجا یکسری قواعد کلی داریم که عادتاً هر انسانی برای توفیق انجام کارهای بزرگ باید طبق آنها حرکت کند و یکسری راهکارها و برنامه‌هایی که به طور خاص برای کسب هر کدام از ویژگی‌هایی که برای یک طلبه موفق بیان شد لازم است بنابراین مطالب این فصل را در دو مبحث تقدیم خواهیم کرد.

### مبحث اول: قواعد کلی

#### ۱- عمل و تلاش:

مهم‌ترین قاعده موفقیت تلاش است حتی تمام قواعد و راهکارهایی که بعد از این می‌آید همه در گرو تلاش است و هیچ کدام را بدون تلاش نمی‌توان به دست آورد؛ شاید با این جملات بیشتر به اهمیت تلاش پی ببریم:

\* به هر اندازه تلاش کنیم به همان اندازه می‌رسیم و به دست می‌آوریم چون «و

آن لیس للانسان الا ما سعی»

\* اگر ما فقط به همان چیزهائی که می‌دانیم به طور کامل عمل کنیم به همه چیزهائی که می‌خواهیم می‌رسیم چون خداوند وعده داده که اگر کوشش در راه من را آغاز کنید هر دانسته جدیدی که نیاز داشته باشید به شما یاد خواهم داد:

«والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا»

«من عمل بما یعلم ورته الله علم ما لم یعلم»

پیامبر خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ): هر که به آنچه می‌داند، عمل کند، خداوند، دانش آنچه را نمی‌داند، به او ارزانی می‌دارد.

\* اگر به آنچه می‌خواستیم نرسیدیم نباید به وعده خدا شک کنیم بلکه باید به خودمان شک کنیم که یا تلاش نکردیم و یا تلاشمان در مسیر صحیح نبوده است.

\* انسان همیشه برای عمل کردن دانسته‌هائی دارد آن هم به اندازه‌ای که هیچ وقت بیکار نمی‌ماند پس هر وقت دست از تلاش برداشتید به این بهانه که نمی‌دانم چه کنم خودتان را خسته نکنید چون دیگر هم نخواهید دانست زیرا کسی که نمی‌داند را می‌شود آگاه کرد اما کسی که خود را به ندانستن زده است هرگز.

\* هر وقت به تلاشی که می‌کنید راضی شدید و احساس کردید که نهایت تلاش خود را انجام داده‌اید دیگر خیلی به خودتان زحمت ندهید چون به احتمال زیاد پیر شده‌اید حتی اگر در سن ۲۰ سالگی باشید.

\* هر وقت دیدید دست از تلاش برداشته‌اید چون احساس می‌کنید تلاش فایده‌ای ندارد آنروز برای خود فاتحه‌ای بخوانید که آخرین روز زندگی شماست چون زندگی یعنی امید و تلاش.

\* هر چه بیشتر تلاش کنید بیشتر خواهید دانست که چگونه می‌توانید بیشتر و بهتر تلاش کنید

\* هر چه بیشتر تلاش کنید تلاش کردن برایتان آسان‌تر و انگیزه و شورتان برایش بیشتر خواهد شد

\* پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَكَائِيْنَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فَيُنَادِي يَا أَبْنَاءَ الْعَالَمِينَ جِدُوا وَاجْتَهِدُوا<sup>۶</sup> همانا خداوند فرشته‌ای دارد که هر شب فرود آمده و ندا می‌دهد ای ۲۰ ساله‌ها جدیت به خرج دهید و تلاش کنید.

## ۲- تمرکز و پشتکار:

معمولاً همینکه گفته می‌شود تمرکز این معنا به ذهن می‌رسد که یعنی موقع انجام کاری مانند مطالعه حواسمان پرت نشود و فکرممان جایی نرود اما اتفاقاً این معنای تمرکز در اولویت اول نیست و آنچه که مهم‌تر است و با نبود آن تمرکز فکری هم حاصل نمی‌شود معنای دیگر تمرکز است که ما نام آن را تمرکز شغلی می‌گذاریم و منظور همان پشتکار است یعنی پشت کار را گرفتن، روی آن متمرکز شدن، آن را رها نکردن و به کار دیگری نپرداختن که تجربه بشر نشان داده تلاش و پشتکار اگر با هم شوند به

خواست خدا معجزه می‌کند و موفقیت‌های عظیم و باور نکردنی به بار می‌آورند. بنابراین ابتدا از تمرکز شغلی و سپس از تمرکز فکری سخن به میان خواهیم آورد.

### نوع اول: تمرکز شغلی (پشتکار):

اگر می‌بینیم گاهی اوقات تلاشمان گم می‌شود و به نتیجه‌ای نمی‌رسد معمولاً اصلی‌ترین علت آن عدم تمرکز شغلی و به عبارت دیگر عدم پشتکار است یعنی کاری را که شروع می‌کنیم یا ادامه نمی‌دهیم و یا آنقدر دور و بر خودمان را شلوغ می‌کنیم و کارهای زیادی را با هم آغاز می‌کنیم که هیچکدام را نمی‌توانیم به سرانجام برسانیم و همین بی‌نظمی‌ها و پراکندگی‌ها به ذهن هم سرایت کرده و می‌شود مهم‌ترین مانع تمرکز ذهنی؛ در هر صورت، تمرکز شغلی دو شرط اساسی دارد یکی پرهیز از تشتت و پراکندگی است و دیگری دوام و استمرار:

### شرط اول: پرهیز از پراکندگی

شلوغی و پرداختن به کارهای فراوان ناهماهنگ در یک زمان، مهم‌ترین عامل تشتت عملی و در نتیجه تشتت و تشویش ذهنی است، حالا این اشتغالات را در ذیل دو بحث بررسی می‌کنیم:

### بحث اول: اشتغالات غیر تحصیلی:

که آنچه بیشتر مد نظر ماست دو امر است:

امر اول: فعالیت‌های فرهنگی، تبلیغی و خدماتی:

دیده شده که بعض از طلباب زود هنگام به سراغ این نوع فعالیت‌ها می‌روند یا بیش از اندازه به آنها می‌پردازند و یا نوع آن فعالیت در مسیر طلبگی و شأن طلبه نیست، اینطور اشخاص چون متمرکز بر درس و تحصیل نیستند موفقیت‌چندانی در زمینه طلبگی ندارند و توفیق خدمات مهم و زیربنائی از آنها سلب می‌شود و در آینده تأثیرگذاری چندانی نخواهند داشت پس این مطلب مهم است که بدانیم یک طلبه از چه زمانی باید به این فعالیت‌ها پردازد؟ به چه مقدار؟ و از چه نوعی؟

جواب این است که هرگز نمی‌شود به این سه سؤال به طور مطلق پاسخ داد چون تفاوت روحیات و استعدادها و شرائط افراد، و اقتضائات زمان و مکان قطعاً تأثیر گذار است، پس هر شخصی پاسخ متناسب با خودش را می‌طلبد اما همیشه یک اصولی وجود دارد که همه می‌توانند با توجه به آنها تکلیف خود را در چنین مواقعی روشن کنند که حالا یا خودتان باید بتوانید آن اصول را به درستی بر موقعیت خود تطبیق دهید و یا به کمک یک مشاور و مربی که شما را خوب می‌شناسد این کار را انجام دهید، اما اجازه دهید در اینجا فقط چند سؤال مطرح کنیم و در نهایت، قضاوت و تصمیم‌گیری را به عهده خودتان بگذاریم:

\* آیا در انجام اینطور فعالیت‌ها میل‌های نفسانی را زیر پا گذاشته‌ایم؟ به طوری که با اخلاص تمام و با یقین به رضایت قطعی خداوند به سراغ آنها برویم؟ چون ممکن است گاهی اوقات جذآبیت‌های ظاهری کار ما را به سمت خود بکشد یا میل به تعریف و تمجید یا ضعف و عدم توان رد کردن خواسته و پیشنهاد بی موقع دیگران و یا حتی عذاب وجدان کاذب و بی‌مورد، البته منظور ما این نیست کاری را که وظیفه انجام دادن آن را داریم به بهانه نبود اخلاص ترک کنیم چون در اینطور مواقع باید نیت را اصلاح

کرد نه اینکه کار را ترک کرد بلکه منظور این است که گاهی نیت‌های غلط باعث تصمیم‌گیری‌های غلط می‌شود و در انتخاب زمان، مقدار و نوع کار دچار اشتباه می‌شویم.

\* من برای خدمت به جامعه الان چقدر مفید و تأثیر گذارم و زمانی که تبدیل شوم به یک طلبه ایده‌آل با آن ویژگی‌ها، چقدر؟ گاهی ممکن است یک نفر به تنهایی یک شهر را و حتی یک کشور را بلکه یک دنیا را دگرگون کند مگر امام(ره) درباره شهید بهشتی نفرمود که او به تنهایی یک ملت بود، اما گاهی صدها نفر نمی‌توانند یک شهر را اصلاح کنند، فکر می‌کنید چرا؟

\* آیا مشکلات و نیازمندی‌های فرهنگی و خدماتی فقط خلاصه می‌شود به خُرده اموری که الان من به آنها می‌پردازم؟ تولید علوم انسانی اسلامی، رهبری‌های کلان مملکتی شهری و محله‌ای، قانون‌گذاری‌های اسلامی، تربیت نیروهای کارآمد برای بخش‌های مختلف جامعه، تبلیغات جهانی، سیاست‌گذاری‌های جهانی، اصلاح و هدایت سازمان‌های کلانی مثل آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، و... آیا اینها جزء نیازمندی‌های جامعه اسلامی و بلکه مهم‌ترین آنها نیستند؟ آیا نمی‌توان گفت که اتفاقاً بسیاری از مشکلات فرهنگی و کمبودهای اجتماعی، ناشی از وجود نقص و مشکل در همین امور کلان و اصولی است؟ که اگر این امور کلان اصلاح شود بسیاری از مشکلاتی که ما برایشان شبانه روز خون دل می‌خوریم و عرق می‌ریزیم اما توفیق چندانی هم برای رفعشان حاصل نمی‌شود آنگاه خیلی راحت برطرف می‌شوند.

\* آیا برای رفع این نیازمندی‌های کلان به اندازه کافی نیروی آماده وجود دارد تا ما اجازه داشته باشیم به نیازهای کوچک‌تر پردازیم؟ و اگر قرار باشد ما خودمان را برای انجام امور کلان و اصولی‌تر آماده کنیم الان به چه مقدار تحصیلات و مطالعات و

خودسازی نیاز داریم؟ و آیا پرداختن به فعالیت‌هایی که منافات با نیل به این هدف دارد ضد تکلیف و مخالف رضایت خداوند و امام زمان (عج) نیست؟

حالا ممکن است خواننده گرامی نیز سؤالاتی به ذهنش خطور کند پس بهتر است آنها را هم مطرح کنیم تا بحث منصفانه‌تر پیش برود:

\* آیا شما که این سؤالات را طرح کردید منظورتان این است که یک طلبه در ایام تحصیل نباید به هیچ کاری غیر از تحصیل پردازد؟ در این صورت آیا پرداختن تمام وقت به تحصیل خستگی و دزدگی نمی‌آورد؟

\* آیا منظورتان این است ما در مقابل کمبودها و رنج‌ها و ناهنجاری‌هایی که می‌بینیم سکوت کرده و بی تفاوت عبور نمائیم؟

\* مگر نباید طلبه‌ها الگوی دیگران باشند و دوش به دوش مردم در سختی‌ها کمک کنند؟

\* اصلاً مگر همین چیزها خودش جزء درس و تہذیب نیست؟

\* مگر علما خودشان خدمات اجتماعی انجام نمی‌دادند؟

\* اگر ما این کارها را انجام ندهیم پس چه کسی انجام دهد؟

\* آیا واقعاً ما الان تکلیفی نسبت به این امور نداریم؟

\* مگر نباید از الان با فعالیت‌های کوچک‌تر تمرین کنیم تا بعداً برای انجام کارهای بزرگ‌تر تجربه کسب کرده باشیم؟

اصلاً مگر قرار است ما درس‌مان را کنار بگذاریم؟

حالا که به گوشه‌ای از درد دل شما هم اشاره کردیم باید بدانید که همه این حرف‌ها درست است و منظور ما هرگز این نبود که طلبه باید یک موجود منزوی و بی تفاوت به اطراف و فقط مشغول درس باشد و بعید است کسی با انجام فعالیت‌های فرهنگی و شبیه آن در ایام تحصیل مخالف باشد، بحث چنانچه گذشت بر سر زمان، مقدار و نوع فعالیتی است که قرار است به آن پردازیم و الا کسی ضرورت اصل آن را نفی نمی‌کند و قرار شد خود شما با توجه به سؤالاتی که مطرح کردیم خودتان منصفانه بیندیشید و به خوبی بین تحصیل و انجام این فعالیت‌ها جمع کنید و البته این نکته را هم مد نظر داشته باشید که با توجه به مطالبی که گذشت و بعد از این خواهد آمد بدیهی است که دروس حوزه برای ما لازم هست اما کافی نیست و برای خودسازی جهت انجام کارهای بزرگ در آینده، مطالعات و فعالیت‌های علمی دیگری نیز نیاز داریم که هدف اصلی این نوشته تبیین همین مطلب است، پس برای برنامه‌ریزی باید این مطلب را هم توجه داشته باشید.

### امر دوم: فعالیت‌هایی در جهت تأمین معیشت:

هر انسان منصفی می‌پذیرد که گذران زندگی با شهریه طلبگی کار سختی است اگر چه ناممکن نیست و بسیاری از طلبان دارند این کار را انجام می‌دهند اما در عین حال دنبال کار غیر طلبگی رفتن برای کسب درآمد نیز به صلاح یک طلبه نیست نه به این دلیل که کار کردن عار است چون قطعاً با تمرکزی که بیان شد لازمه یک تحصیل موفق است منافات دارد، مخصوصاً با آن همه مطالعات و فعالیت‌های علمی و عملی که لازمه کار ماست و اگر شبانه روز هم به آنها پردازیم باز هم کم است، بلکه ممکن است کسی بدون اختصاص وقت خاصی و بدون لطمه وارد شدن به تمرکز عملی و فکریش



با یکسری فعالیت‌هایی مثل سرمایه گذاری بتواند منبع درآمدی برای خود تحصیل کند که اشکالی ندارد البته به شرط حفظ شئون طلبگی و موازین شرعی و لحاظ ارزش‌های بی بدیلی مثل قناعت و توکل، حالا جا دارد سؤال کنید با این شهریه طلبگی چگونه ما فقط روی تحصیل متمرکز شویم و زندگی هم بکنیم؟

در جواب اجازه دهید یک گله‌ای از خودمان بکنیم، ما متأسفانه ایمانمان به وعده‌های الهی ضعیف شده و همین دائم در زندگی‌هایمان گره ایجاد می‌کند و باز شدن این گره‌ها هم راهی ندارد جز همان بازگشت و ایمان به وعده‌های الهی البته شرطش این است که ما هم به وعده‌هایی که داده‌ایم و تکالیفی که داریم عمل کنیم «أوفوا بعهدی أوف بعهدکم» و اگر فکر کنید که خودمان می‌توانیم این گره‌ها را با تدبیر خودمان باز کنیم سخت در اشتباهید و مطمئن باشید هر روز گره را کورتر خواهیم کرد.

ممکن است کسی بگوید آقا شما می‌خواهید همه چیز را با موعظه حل کنید، یک راه حل منطقی و عملی ارائه کنید بالاخره این عالم عالم اسباب است و خداوند هم امور را بر خلاف اسباب پیش نمی‌برد، نمی‌شود که ما بنشینیم و توقع داشته باشیم روزی مان برسد!

در این صورت جواب این است که اتفاقاً آن سببی که خداوند از مسیر آن زندگی اهل علم را تأمین می‌کند همین تمرکز روی تحصیل علم است، قرار نیست که ما بنشینیم، حرکت ما همین وقف کردن زندگی‌مان برای کسب علم و خودسازی است، اسباب را که ما تعیین نمی‌کنیم، خود روزی دهنده اعلام نموده که یکی از اسباب روزی رسانی من این است حالا اگر ما نمی‌توانیم از راه این سبب وارد شویم یک بحث دیگری است که برمی‌گردد به انتخاب مسیر طلبگی که آیا روز اول من این مسیر را درست انتخاب

کردم یا به اشتباه آمدم که به نظر می‌رسد جلوی اشتباه را هر چه زودتر باید گرفت نه با اشتباهات بعدی کار را پیچیده‌تر کرد.

ما سخت معتقدیم و اتفاقاً تجربه عمومی طلاب به خوبی این را نشان داده که اگر طلبه‌ای اولاً روز اول این مسیر را درست انتخاب کرده باشد ثانیاً به تکالیف طلبگی خود درست عمل کند و ثالثاً اهل قناعت و تدبیر درست در زندگی باشد بدون شک نیازی به کار غیر طلبگی برای کسب درآمد ندارد و هرگز نباید نگرانی از این بابت به خود راه دهد البته این هرگز به این معنا نیست که از همان اول همه امکانات زندگی برایش فراهم می‌شود و هیچ سختی نباید تحمل کند، اتفاقاً تحمل این سختی‌ها خود مقدمه گشایش‌های بعدی است و باید آنها را با رضایت پذیرفت.

### بحث دوم: اشتغالات تحصیلی

قرار نیست ما همه علوم و معارف و اطلاعات لازم را در عرض شش سال اول طلبگی آن هم فقط در ایام دائر بودن کلاس‌ها فراگیریم، شتاب زدگی و شلوغ کردن برنامه تمرکز ذهنی ما را نیز بر هم می‌ریزد و سراغ هر بخشی از مطالعاتمان که می‌رویم می‌بینیم تمرکز لازم را نداریم پس باز در اینجا باید از تمرکز شغلی شروع کنید تا به تمرکز ذهنی برسید تمرکز شغلی در اینجا به این معناست که نباید برنامه شلوغ و نامتوازنی برای خود بریزید پس این اصول و راهکارها را برای برنامه ریزی مد نظر داشته باشید تا دچار این آفت نشوید:

\* در نظر داشته باشید که قرار است ما حداقل ۱۵ سال خالص مشغول تحصیل باشیم پس برنامه‌های مطالعاتی خود را در این ۱۵ سال پخش کنید و فکر نکنید که مطالعه

هر کتاب یا شرکت در هر دوره یا انجام هر سیر مطالعاتی را باید در همان سال‌های اول طلبگی بگنجانید.

\* بعد از این ۱۵ سال هم ما که ارتباط خود را با تحصیل و مطالعه قطع نمی‌کنیم چون یک طلبه تا آخر عمر یکی از برنامه‌های ثابت زندگی‌اش ارتقاء سطح آگاهی و معرفت است پس بعضی از مطالعات را هم که در این ۱۵ سال نمی‌گنجد باید با یک برنامه بلند مدت به بعد از این موکول کنید.

\* بنابراین از دو اصل قبلی می‌توان نتیجه گرفت که یک طلبه موفق برنامه تمام زندگی‌اش معلوم است و میداند که در هر بخش از زندگی مثلاً هفتاد ساله‌اش چه می‌خواهد بکند البته نه با جزئیاتش اما کلیات را تا حدودی مشخص کرده مثلاً معین کرده که سیر مطالعات شهید مطهری را در کدام سال‌های عمرش و سیر مطالعات حضرت آقا را در کدام سال‌ها، شرکت در فلان دوره را در چه سالی و ... البته توانائی چنین برنامه ریزی که ما نام آن را برنامه‌ریزی کلان می‌گذاریم به این راحتی به دست نیاید و شما باید مدتی از عمر خود را به مطالعه در این زمینه بپردازید و تا آن موقع برای برنامه ریزی از اساتیدی که در این زمینه مطالعه داشته‌اند کمک بگیرید و ما هم انشاء الله در مبحث برنامه‌ریزی توضیحاتی در این زمینه خواهیم داد.

\* ما متأسفانه فقط ایامی که کلاس‌های حوزه دائر است را جزء اوقات تحصیلی خود به شمار می‌آوریم در حالی که ما طبق تقویم درسی حوزه در هر سال فقط حدود ۶ ماه درس داریم و اتفاقاً همه برنامه‌های مطالعاتی غیر درسی را نیز می‌خواهیم در همین ۶ ماه بگنجانیم در حالی که اگر برنامه‌هایتان را در طول ۱۲ ماه پخش کنید تمرکز خیلی بهتری روی تک تک کارهایتان خواهید داشت.

\* برای بعضی از فعالیت‌ها باید از روش ملکه سازی استفاده کنید مثلاً مطالعه قرآن و حدیث و ادعیه و احکام یک برنامه همیشگی برای یک طلبه است، حالا برای اینکه اینها در کنار کارهای دیگران باعث شلوغی و ضعف تمرکز نشود، برایشان ملکه سازی کنید چون چیزی که برای انسان ملکه شده دیگر مشغولیت ذهنی نمی‌آورد مثل سوره حمد که چون ملکه شده بدون تمرکز هم می‌خوانیم، شرط ملکه شدن، تکرار زیاد و استمرار است اگر شما مطالعه قرآن را هر روز در یک ساعت معینی مثلاً بعد از نماز صبح انجام دهید و به هیچ وجه و در هیچ شرائطی حتی سفر یا بیماری آن را ترک نکنید بعد از مدتی برایتان ملکه خواهد شد (البته اجازه دارید که در بعضی مواقع از مقدار عمل بکاهید اما ترکش نکنید مثلاً اگر در ایام عادی یک صفحه قرآن با تفسیر مطالعه می‌کردید در آن روزی که بیمار هستید اگر نمی‌توانید، به قرائت تنها اکتفا کنید یا اگر خیلی بیماری شدید است آن صفحه را باز کنید و فقط یک نگاهی بیندازید، خلاصه به نفستان بقبولانید که من به هیچ وجه این برنامه قرآن بعد از نماز صبح را ترک نخواهم کرد.

\* روش ترکیب سازی را هم به کار بگیرید یعنی بعضی از فعالیت‌ها را که زمان کمی می‌برند با یک کار دیگر ترکیب کنید مثلاً قصد دارید روزی سه حدیث بخوانید یک حدیث در ابتدای مطالعه منطبق بخوانید یکی در ابتدای مباحثه فقه مثلاً و یکی به عنوان تعقیب نماز، در این صورت دیگر حدیث خوانی یک کار جداگانه نیست بلکه یک بخشی از نماز است مثلاً و حتی می‌توانید آن کتاب حدیث را اگر ممکن باشد همیشه در سجاده مثل مهر نماز داشته باشید و یا همیشه در کنار کتاب منطبق شما باشد. با مراعات این اصول امید است که از شلوغی و پراکندگی برنامه نجات پیدا کنید و به یک آرامش و اطمینان فکری برسید تا در اثر آن، تمرکز ذهنی شما هم بالا برود.

## شرط دوم: استمرار و مداومت

گذشت که تمرکز شغلی دو شرط دارد، شرط دوم آن، استمرار است، یعنی وقتی کاری را شروع می‌کنیم باید تمام نیرو و هم و غم خود را روی آن متمرکز کنیم و اجازه ندهیم در آن وقفه‌ای بیفتد یا در میانه رها شود، شاید بتوان گفت هم شایع‌ترین و هم بدترین آفت عمل همین است، اینکه بسیاری از اعمال و برنامه‌های ما به نتیجه نمی‌رسند و اثری را که توقع داریم به بار نمی‌آورند دلیلش همین است که به اندازه کافی استمرار پیدا نمی‌کنند، حالا باید عوامل عدم استمرار را بررسی کرده و برای هر کدام راه حلی بیابیم:

عدم توجه به ضرورت استمرار، ضعف انگیزه ضعف اراده عدم اعتقاد راسخ به کاری که شروع کرده‌ایم نامتناسب بودن نوع یا حجم کار با توان ما، فراموشی، برنامه ریزی و جای‌گذاری غیر مناسب، حوادث و موانع غیر قابل پیش‌بینی، عجله در رسیدن به نتایج و تعطیلات، چون ما در اینجا قصد ورود به جزئیات را نداریم و بیشتر هدفمان این است مطالبی را مطرح کنیم که کمتر بیان شده پس سعی کنید با این اصولی که می‌آوریم راهکار متناسب با حال خود را بیابید:

ما امروزه به دلیل سبک زندگی غلط ناشی از محور قرار دادن لذات مادی، با لذت‌ها و جذابیت‌های دم دست و آماده و سریع الوصول، خو گرفته‌ایم و همین مطلب، انسان‌ها را خیلی عجول و کم طاقتم کرده به طوری که انتظار دارند خیلی زود به همه چیز برسند به همین دلیل درس خواندن و مطالعه در این زمانه سخت‌ترین کار شده و اتفاقاً همین کم صبری است که مثل خوره اراده انسان را نیز می‌خورد و هر بار که شما کاری را از روی کم صبری رها می‌کنید اراده شما از قبل

هم سست تر می شود؛ پس باید گفت تنها راه تقویت اراده، تمرین صبراست و برای صبر هم باید از صلوات کمک بگیرید، مثل کسی که می خواهد زور بازو پیدا کند آیا راهی جز وزنه زدن دارد؟ روز اول مثلاً با وزنه ۱۲ کیلوئی تمرین می کند اما همین ۱۲ کیلو هم برایش سنگین است و باید صبر و تحمل کند اما بعد از چند روز، دیگر برایش وزنه ۱۲ کیلوئی سنگینی ندارد حالا باید وزنه ۱۵ کیلوئی بزند، دوباره روز اول برایش سنگینی دارد و باید صبر و تحمل کند اما بعد از چند روز مداومت، این هم سبک می شود (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) و می رود سراغ وزنه ۲۲ کیلوئی و همینطور ادامه میدهد، حالا اراده مثل همان بازو است که فقط با صبر و تحمل در برابر وزن های که حساب شده و به مرور و با مداومت بر تمرین در هر مرحله سنگین تر می شود باید تقویت شود.

شما یک برنامه با کمک مشاورین تحصیلی برای خود بریزید اما در دل این برنامه یک بخشی را برای تمرین تقویت اراده قرار دهید به این شکل که یک کار کوچکی را به عنوان برنامه هر روز انتخاب کرده و به هیچ وجه اجازه ترک آن را در هیچ روزی به خود ندهید حتی در مریضی و سفر، اگر چه شده این کار، گفتن یک بسم الله موقع بیداری صبح باشد و بعد از مدتی که به آن عادت کردید یک کار دیگر را به همین منوال اضافه کنید و کم کم آن را به تمام فعالیت های خود سرایت دهید آنگاه خواهید دید در زندگیتان چه انقلابی میشود، این معنای استعانت از صبر است البته این یک نوع تمرین با صبر است، نوع دیگر تمرین که باید آن را هم در برنامه خود حتماً داشته باشید صبرهای مقطعی است که در طول روز ممکن است چند مرتبه موقعیت آن فراهم شود و شما سعی کنید همه آنها را با سهل انگاری و

تسویف از دست ندهید و مراقبت کنید که حداقل چند تا از آنها را دریابید و با آنها برای تقویت اراده خود تمرین کنید، نگوئید آدم نباید به خودش فشار بیاورد بلکه این حرف درست است اما نه به طور مطلق، اگر آن وزنه بردار برای زدن وزنه ۱۲ کیلوئی فشار اولیه را تحمل نکند پس چگونه خود را بسازد؟ ما به تحمیل و اجبار نفس نیاز داریم اما حساب شده، مگر میشود بدون اجبارِ نفس آن را رام کرد؟ افراط یعنی فشار و تحمیل بی حساب نه هر تحمیلی! پس شما در طول روز بعضی از سختی‌ها را باید به خود تحمیل کنید اگر از همه این موقعیتهای صبر فرار کنید تا ابد نمی‌توانید سوار بر نفس خود شوید؛ روزه گرفتن هم تمرین خوبی برای صبر است، در طول ماه، سه یا دو یا حداقل یک روز روزه بگیرید.

حالا همه اینها خواستن نیاز دارد، تا نخواهید نمی‌شود، خواستنِ جدّی هم باید باشد، برای اینکه هم به این خواستن برسید و هم در طول مسیر، صبرها و تحمّل‌ها برایتان آسان‌تر شود باید چاشنی معنویت را به برنامه خود اضافه کنید، حتماً تجربه کرده‌اید که معنویت، برای انسان یک حسّ خوبی ایجاد می‌کند که با آن شوق بیشتری برای انجام کارها داریم پس لازم است هر روز برای خود یک بهانه‌ای برای پیدا کردن آن حس فراهم کنید و البته عالیترین بهانه، نماز است و این است معنای استعانت از صلوات یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (سوره مبارکه بقره آیه ۱۵۳)

### نوع دوم: تمرکز فکری:

تمرکز فکری یعنی جمع شدن تمام حواس بر روی یک کار به طوری که فکر انسان جای دیگری نبرد و بتواند عمیقاً روی آن کار بیندیشد و چنانچه گذشت

شرط حتمی تمرکز فکری، تمرکز شغلی است، چون کسی که به اشتغالات زیادی در یک برهه از زمان می‌پردازد قطعاً نمی‌تواند در حین انجام هر یک از آنها عمیقاً بیندیشد و حواس خود را جمع کند چون فکر برای تمرکز نیاز به آرامش دارد و اشتغالات فراوان و ناهمگون، آرامش فکری را سلب می‌کند، اگر شما یک زندگی بدون برنامه بدون هدفِ شلوغِ پر از تشویش و نگرانی داشته باشید چگونه می‌خواهید سر مطالعه یا در کلاس درس یا در نماز، تمرکز داشته باشید، اصولاً ذهنی میتواند تمرکز کند که مشووش و دچار پراکندگی و شلوغی نباشد و ذهن، زمانی به آرامش می‌رسد که قلب، آرام و مطمئن باشد، و قلب نیز زمانی به این آرامش می‌رسد که زندگی ما یک زندگی منظم و بر اساس یک برنامه محکم و مطمئن باشد.

برنامه مطمئن = زندگی مطمئن = قلب مطمئن = ذهن مطمئن = تمرکز ذهنی  
 = فهم بهتر و سرعت بیشتر = انگیزه و نشاط قویتر = فعالیت بیشتر = موفقیت و رضایتمندی بیشتر = اطمینان به مراتب بیشتر = تمرکز ذهنی به مراتب بیشتر = فهم و سرعت به مراتب بیشتر = ادامه چرخه تا بی نهایت؛ به صورتی که انسان دائم بالا می‌رود و از جهت اطمینان و تمرکز و فهم و انگیزه و رضایت به جایی می‌رسد که قابل باور برای ما نیست و اصلاً در محاسبات ما نمی‌گنجد که مثلاً چگونه یک انسان می‌تواند در همین ایام عمری که همه ما هم داریم به جایی برسد که بشود جامع علوم و معارف و دارای بالاترین مقامات انسانی و همه اینها در کنار رهبری کردن یک اجتماع بزرگ.

خلاصه اینکه اگر ما یک زندگی شلوغ و پر از دغدغه و نگرانی و عجله و سرگرمی و بازی، همراه با ناخونک زدن به هر کار و کوبیدن هر در و سرک کشیدن به هر جا و این همه سردرگمی و بی هدفی داشته باشیم هرگز نباید انتظار یک ذهن



و حافظه قوی و متمرکز داشته باشیم، مثال ساده آن خواب دیدن انسان است، خواب دیدن، ارتباط ذهنی نیست بلکه ارتباط روحی است، موقع خواب چون روح از بخش اعظمی از مشغله راهبری جسم آزاد میشود میتواند مقداری به خودش پردازد و به آنچه که در طول روز کسب کرده نظری بیفکند، حالا وقتی اکثر خواب‌های ما نامفهوم و پریشان و پرت و پلاست یعنی ما در طول روز هم به همین شکل زندگی کرده‌ایم و ذهن بیچاره ما اینقدر دچار پریشانی بوده است که روح ما نیز چنین پریشان شده است، حالا به نظر شما چنین روح و ذهن پریشانی در طول روز می‌تواند تمرکز کند؟ بله راهکارهای مشاورین گرانقدر در جای خود بسیار ارزشمند، اما اینها معمولا مانند مسکن است و درد را از اساس درمان نمی‌کند، درمان اساسی یک کلمه است: *الا بذكرِ اللهِ تطمئنُ القلوب*، همه مشغله‌های ما در طول روز اگر بر محور ذکر خدا باشد یعنی خدا را در تمام فعالیت‌های روزمان در نظر بگیریم و ببینیم آیا کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم بر اساس وظیفه است یا بر خلاف آن، آنگاه دچار این همه اشتباهات و بیراهه‌ها و پریشانی‌ها نخواهیم گشت و زندگی ما بر اساس یک برنامه محکم و مطمئن تنظیم خواهد شد و نتیجه چنین زندگی، آرامش و اطمینان قلبی و ذهنی روزافزون است که به دنبال آن، تمرکز ذهنی خود به خود فراهم خواهد آمد.

### ۳- معنویت:

منظورمان از معنویت آن حالتی است که در آن، انسان احساس نزدیکی به خدا می‌کند و در آن حال دوست دارد خوب باشد و خوب عمل کند و مراقب است که خود را از هر چه که حالش را خراب می‌کند دوری کند، در این حالت است

که اراده انسان قوی تر، عزم او جدی تر و شور و نشاط و انگیزه او بیشتر است، اگر چه این حالت برای ماها گاهی اوقات اتفاق می افتد اما برای اولیاء خدا همیشگی است پس اگر اراده و عزم و انگیزه بیشتری می خواهیم باید برای ایجاد، بقاء و استمرار این حالت در درون خود تلاش کنیم معنویت سه شرط اساسی دارد:

**عبودیت، توسل، تقوا.**

**عبودیت:** یعنی خود را در برابر خداوند، هیچ ندیدن، یعنی در مقابل او خاضع و خاشع بودن، عبودیت یعنی اخلاص، یعنی سرتاسر وجود و دارائی های خود را در راه او قرار دادن، عبودیت یعنی نماز یعنی ذکر و دعا یعنی بیداری و شب زنده داری، خلاصه عبودیت یعنی فقط خدا را دیدن، خدا را خواستن و برای رسیدن به او سر از پا نشناختن.

**توسل:** ماها که پر از ضعف و نقص و جهلیم برای یافتن مسیر راهی جز گرفتن دامان اهل بیت (سلام الله علیهم) نداریم، منظور ما از توسل، حالتی است که در آن شخص خود را به معنای واقعی کلمه مضطر ببیند مانند کسی که تمام درها به رویش بسته شده و هیچ امیدی به هیچ کس و هیچ چیز ندارد و در همین حال به ناگاه دری به رویش گشوده شود، چگونه به سمت در می شتابد؟ شرط اساسی توسل چنین حالتی است و ما دائماً باید نسبت به اهل بیت (سلام الله علیهم) در چنین حالتی باشیم تا عنایات ویژه شان شامل حالمان شود، در اینصورت است که زیارت های ما نیز روح پیدا خواهد کرد و اثر بخش خواهد بود.

**تقوا:** در یک کلمه تقوا یعنی در تمام طول روز مواظب و مراقب خود باشیم که هر چیزی نگوئیم، هر چیزی نبینیم، هر چیزی نشنویم، هر چیزی نخوریم، به هر

چیزی نیندیشیم، هر رفتاری را انجام ندهیم، به هر کاری نپردازیم، تقوا یعنی مراقبت کنیم که طبق وظیفه و تکلیف پیش برویم، اولویت‌ها را در نظر بگیریم و تمایلات نفسانی در تصمیم‌گیری‌های ما دخالت نکنند.

#### ۴- مراقبت از تک تک لحظات عمر:

اگر قرار باشد به یک سفر نصف روزه برویم چقدر وسائل برمیداریم؟ اگر سفر یک هفته‌ای باشد چطور؟ اگر قرار باشد یک سال در شهر دیگری بمانیم چگونه عمل می‌کنیم؟ می‌بینید هر چه که سفر ما طولانی‌تر باشد وسائل بیشتری برمی‌داریم. حالا اگر برای مهیا شدن سفر یک ساله، یک هفته وقت داشته باشیم با خیال راحت وسائل را جمع کرده و خیلی از کارهای زمین مانده را هم انجام می‌دهیم اما اگر بگویند فقط یک روز مهلت داریم احتمالا در این یک روز تمام کارهای دیگر را تعطیل می‌کنیم و با شتاب به جمع‌آوری وسائل و انجام مهم‌ترین کارهای زمین مانده می‌پردازیم، حالا فرض کنید فقط یک ساعت برای مهیا شدن به شما فرصت داده‌اند آنوقت آیا تک تک لحظات این فرصت، ارزش پیدا نمی‌کند و آیا شما نیازمندی‌های سفر را اولویت بندی نمی‌کنید تا به مهم‌ترین آنها بپردازید؟ بارها در زندگی اتفاق افتاده که حتی ثانیه‌ها برای ما سرنوشت ساز شده‌اند به طوری که به هیچ وجه حاضر نشده‌ایم حتی یکی از آن ثانیه‌ها را از دست بدهیم و در آن ثانیه‌ها فقط به همان کاری پرداخته‌ایم که مهم‌ترین اولویت ما بوده است. حالا ما یک سفر بسیار طولانی که چه عرض کنم، یک سفر ابدی در پیش داریم و نه در صد هزار سال و یا هزار سال بلکه در عرض نهایتاً هفتاد سال و شاید در عرض همین چند لحظه پیش رو (چه میدانیم که مرگ ما چه زمانی است) باید بار سفر را

ببندیم پس مومنون «عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»<sup>۹</sup> انند چون می دانند حتی یک لحظه فرصت لغو را ندارند. پس تک تک لحظات عمر را باید بی نهایت غنیمت شمرد چون:

\* فرمودند «العمر أنفاس معدّده»<sup>۱۰</sup> «عمر، مجموعه نفس هایی است که می کشی

\* لحظه لحظه جمع گردد وانگهی عمری شود

\* لحظه همانی است که گاهی حاضریم همه هستی مان را بدهیم تا فقط یکبار

دیگر برگردد

\* لحظه همانی است که گاه در حسرت فقط یک دانه از آن تا ابد می مانیم

\* لحظه یعنی همان چیزی که فراوان درباره آن گفته ایم و شنیده ایم که: ای

کاش یک لحظه زودتر... ای کاش یک لحظه دیرتر...

\* شاید هر لحظه که می آید آخرین لحظه مان باشد پس اگر چه لحظات به راحتی

ما را پشت سر می گذارند و می روند اما ما به راحتی آنها را پشت سر نگذاریم که هدر

دادن هر لحظه جرأت می دهد بر هدر دادن لحظه بعد «إِنَّ أَوْقَاتِكَ أَجْزَاءُ عُمْرِكَ، فَلَا تُتْفِذْ

لَكَ وَقْتًا إِلَّا فِيمَا يُنْجِيكَ»<sup>۱۱</sup> بدون شک اوقاتی که می گذرانی پاره های عمر تو هستند،

لذا نباید وقت خود را تمام کنی مگر در چیزی که نجات تو در آن باشد، از سخنان امام

صادق (علیه السلام) است که: «لیس شیء اعزّ من قلبک و وقتک؛ هیچ چیزی عزیزتر از

روح و وقت تو نیست»<sup>۱۲</sup>.

۹- سوره مبارکه مومنون آیه ۳

۱۰- غرر الحکم

۱۱- همان

۱۲- ثلثی الاخبار

## ۵- توان‌سازی:

یعنی نیروی خود را مضاعف کنید با تبدیل کردن عمل به ملکه، فرد به گروه، و جهت به جریان.

### ملکه:

ملکه حالتی است که در اثر تکرار فراوان عمل به دست می‌آید به طوری که بعد از آن، عمل بدون تامل و به راحتی از انسان سر می‌زند؛ فرق ملکه با عادت این است که در ملکه میل و آگاهی و استمرار نیت شرط است اما در عادت خیر.

با وجود ملکه کارها سریع‌تر، آسان‌تر و با کیفیت بیشتری انجام می‌شوند، با وجود ملکات دغدغه‌هایمان کمتر و فکرمان آزادتر می‌شود، با وجود ملکات است که الگوی عملی تاثیرگذاری می‌شویم، این ملکات ما هستند که جریان‌سازی و فرهنگ‌سازی می‌کنند نه رفتارها و اعمال مقطعی؛ در قیامت ما به شکل ملکاتمان محشور می‌شویم.

رسیدن به ملکه در جوانی بسیار آسان‌تر است، رسیدن به ملکه عبور از امتحانات الهی نیاز دارد، رسیدن به ملکه صبر و استقامت و زمان نیاز دارد، برای رسیدن به ملکه باید سختی‌های زیادی تحمل کرد، برای رسیدن به ملکه نباید از شکست‌ها ترسید و ناامید شد، برای رسیدن به ملکه باید برنامه‌منظمی داشت، برای رسیدن به ملکه حتماً توکل و توسل مداوم لازم است.

### گروه:

کار گروهی این فوائد مهم را به دنبال خواهد داشت:

\* یاد آوری و تذکر دادن به یکدیگر و جبران کردن نواقص یکدیگر

\* افزایش شور و نشاط و امید

\* افزایش ثبات و استقامت در مسیر

\* تقویت حس اخوت و نزدیک شدن دل ها

\* ایجاد وحدت و یکدلی

\* تقویت حس مسئولیت نسبت به دیگران

\* افزایش سرعت، سهولت و کیفیت کارها

\* افزایش انرژی ها و نیروهای فردی

\* فراهم شدن زمینه گفتمان سازی، جریان سازی و فرهنگ سازی

\* جلب عنایات ویژه الهی چون: «ید الله مع الجماعة»<sup>۱۳</sup>

چگونه گروه شویم؟

از گروه های دو نفره با اجرای عقد اخوت شروع کنید، این دو نفر سعی کنند از جهت روحیات به هم نزدیک باشند به معنای واقعی کلمه خود را یار و همراه یکدیگر بدانند

در تمام امور مراقب یکدیگر باشند و یک توأسی نهادینه شده ای بین آنها شکل بگیرد، حس دیگری غیر از برادری بین آنها ایجاد نشود، از هیچ دلسوزی و منفعت رسانی به یکدیگر دریغ نکنند، کم کم خود را به گروه های دو نفره دیگر متصل کنند و گروه های

بزرگتر و منسجمی ایجاد کنند، گروه های بزرگتر نیز کم کم به هم متصل شوند و یک  
جبهه منسجم و متحد ایجاد کنند.

### جریان:

جریان یعنی یک حرکت سیل مانندی که افراد و گروه ها را فوج فوج می بلعد  
و بزرگتر می شود و سدها را می شکند و جلو می رود، جریان کم کم تبدیل به فرهنگ  
و سنت می شود و مجموع سنن و فرهنگ ها یک تمدن را می سازند.

بزرگترین فایده جریان این است که آنچنان شما و دیگران را می راند و به پیش  
می برد که گاه باور کردنی نیست، آنقدر سرعت و قدرت و اراده و انگیزه انسان ها را  
می افزایش دهد که گاه به معجزه می ماند، آن چنان نیروها را جمع کرده و جهت می دهد که  
گاه می شود با آن کوه ها را جا بجا کرد؛ گاه یک کار به ظاهر کوچک در یک گوشه از  
جامعه می تواند جریانی بزرگ بسازد و جزئی از تمدن آن جامعه شود مثال بارز آن  
اردوهای جهادی است پس هیچگاه نگران کوچکی کار نباشید.

### مبانی جریان سازی :

کاری که آغاز می کنید یک نیاز واقعی و اولویت دار باشد

آن کار وظیفه و تکلیف همان موقع شما باشد

انجام آن کار حتماً باید از روی اخلاص و دغدغه مندی باشد

حتماً باید حساب شده و از روی علم و تدبیر باشد

دیگران را نیز در آن کار شریک کنید

از گروه دو نفره شروع کرده و دائماً آن را گسترش دهید

بعد از جذب تعدادی مناسب از افراد شروع به گفتمان سازی و تبلیغات کنید

اساسی ترین شرط در این مسیر صبر و استقامت است

بنابراین اصلاً نباید عجله کنید و از شکست‌ها و موانعی که ایجاد می‌شود هرگز ناامید نشوید و در آغاز کار بابت کمی افراد و امکانات هرگز نگران نباشید و با توکل به خدا مطمئن باشید که ثبات قدم شما بالاخره به ثمر می‌نشیند شتاب، عدم اخلاص و عدم ثبات قدم اصلی ترین عوامل به نتیجه نرسیدن بسیاری از حرکت های اصلاحی است و در آخر این را بدانید که فعلاً کار یک طلبه در حال تحصیل، ایجاد و رهبری جریان نیست بلکه اگر شما فقط به تکالیف خود، درست عمل کنید و به یکدیگر در این مسیر کمک کنید بدانید ناب ترین و بزرگ ترین جریان‌ها، خود به خود ایجاد خواهند شد مثل جریان عظیم اربعین، یعنی خود شناخت درست وظیفه (الذین آمنوا) و عمل به آن (و عملوا الصالحات) و توأسی نسبت به آن (و توأصوا بالحق) و توأسی به صبر در مسیر (و توأصوا بالصبر)، ناب ترین جریان‌ها را به دور از هر ناخالصی و انحرافی رقم می‌زند

## ۶- استقبال از سختی‌ها:

نگفتیم تحمل سختی‌ها چون سختی را نباید تحمل کرد، سختی را باید خواست و در آغوش گرفت سختی‌ها و دشواری‌ها نه فقط وسیله بلکه خودشان هدفند چون آنچه ما را می‌سازد و به پیش می‌برد خود سختی است یعنی وقتی ما قصد می‌کنیم عملی را به خاطر نتایجش انجام دهیم، معمولاً پیش خود می‌گوئیم پس باید سختی‌هایش را هم تحمل کنم یعنی شما سختی انجام عمل را وسیله ای می‌دانید برای رسیدن به نتایج خود عمل در حالی که غالباً آثار سختی آن عمل اگر بیشتر از خود عمل نباشد کمتر نیست پس خود سختی هم می‌شود هدف نه فقط یک وسیله و در اینجا شما دیگر سختی را



تحمل نمی‌کنید بلکه آن را مثل خودِ عمل طلب می‌کنید و به استقبالش می‌روید مثال بارز آن زیارت است، با اینکه می‌دانیم اهل بیت (علیهم السلام) همه جا حضور دارند و زیارت دور و نزدیک ندارد اما باز باید سختی و مؤونه سفر را به جان بخیریم و راهی حرم آنها شویم چون علاوه بر آثار خود زیارت، سختی زیارت است که ما را رشد می‌دهد.

پس نبود سختی در زندگی مساوی است با عدم رشد و پیشرفت در اینصورت اگر رشد و کمال را می‌خواهید هیچگاه انتظار تمام شدن سختی‌ها را نکشید بلکه به استقبال سختی‌ها بروید و از آنها برای خود نردبان ترقی بسازید و بدانید که نه درس خواندنِ راحتی وجود دارد و نه خود سازیِ راحت و نه موفقیتِ راحت اگر سختی زودگذر انجام تکلیف را پذیرفتیم به دنبال آن راحتی و پاداش ابدی انجام تکلیف هم خواهد آمد اما اگر سختی انجام تکلیف را نپذیرفتیم باید سختی و عقوبت ابدی عدم انجام تکلیف را تحمل کنیم

از دیدگاه دیگر تمام زندگی انسان با سختی پیچیده شده است «لقد خلقنا الانسان فی کبد<sup>۱۴</sup>» حتی رسیدن به خدا فقط از مسیر سختی می‌گذرد «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً<sup>۱۵</sup>» حالا سختی را یا می‌توانیم خودمان انتخاب کنیم و یا آن را بر ما تحمیل می‌کنند سختی انتخابی مثل سختی ترک گناه، سختی انجام عبادات، سختی تحصیل، سختی عفو و گذشت، سختی ترک لذات، سختی جهاد در راه خدا، سختی عبور از موانع در سر راه کمال و... اگر سختی‌ها را خودمان انتخاب کردیم کم کم آنقدر

۱۴- سوره مبارکه بلد آیه ۴

۱۵ سوره مبارکه انشقاق آیه ۶

برایمان شیرین می‌شوند که از هر راحتی برایمان لذت بخش تر «إن مع العسر یُسرا» اما اگر خودمان انتخاب نکردیم سختی‌های دیگری بر ما تحمیل می‌شود:

\* سختی گرفتاری‌ها و مشکلات،

\* سختی حوادث ناگوار و منحوس،

\* سختی ضعیف ماندن و تحقیر شدن،

\* سختی دوست نداشتن و دوست داشته نشدن،

\* سختی لذت نبردن از زندگی،

\* سختی ناامیدی و سرگردانی،

\* سختی نارضایتی همیشگی از خود

\* سختی نرسیدن به آرزوها و اهداف

\* سختی از دست دادن موقعیت‌ها و فرصت‌ها

\* سختی حسرت خوردن دائمی،

\* سختی شیرین نشدن سختی‌ها

\* سختی مرگ و جان دادن

\* سختی قبر و برزخ

\* سختی ابدی قیامت

\* و سختی دوری از خدا

سختی‌های تحمیلی نه تنها هیچ وقت شیرین نمی‌شوند بلکه هر روز تلخ تر و تلخ تر می‌شوند؛ «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» کسی که عُسْر را طلب کند، عسر را با یُسْر دارد اما کسی که از عُسْر فرار کند باز هم عسر را دارد اما بدون یُسْر.

## ۷- خودت باش:

یکی از آفت‌های مهم در مسیر موفقیت، این است که بخواهیم کس دیگری غیر از خودمان باشیم، مثل اینکه خودم را سرزنش کنم که چرا من هم مانند دوستم ۲۰ نمی‌گیرم، چرا مثل فلانی با یک بار شنیدن یاد نمی‌گیرم، یا مثلاً آرزو کنم که من هم باید مثل فلانی یک منبری مشهور بشوم، عجب کتاب خوبی نوشته من هم باید یک کتاب خوب بنویسم، چقدر مداحی زیبایی داشت من هم می‌خواهم مثل او باشم و...

با این طرز فکر خودتان و آینده خودتان را نابود می‌کنید، هیچ‌گاه آرزو نکنید و نخواهید که عین دیگران باشید، بله از فعالیت‌ها و داشته‌های دیگران ایده بگیرید، الگو بگیرید، انگیزه و نشاط بگیرید، روش یاد بگیرید، مطلب یاد بگیرید اما خودتان باشید، هرگز بیش از آنچه توانائی دارید یا غیر از آنچه که توان و استعدادش را دارید از خودتان توقع نداشته باشید البته این حرف نباید توجیهی برای تنبلی‌ها بشود چون معمولاً تلاش انسان‌ها به مراتب کمتر از سطح توان و استعدادشان است پس بسیاری از ناکامی‌ها در اثر تنبلی است نه عدم توانائی.

شما باید به دنبال شناخت استعدادها و سطح توان خود باشید و برای شکوفایی کردن و به کارگیری آنها تمام تلاش خود را انجام دهید و البته دیگران را نیز الگوی خود قرار دهید مخصوصاً کسانی که از جهت ویژگی‌های فردی به آنها نزدیک‌تر هستید.

## مبحث دوم:

### راهبردها، راهکارها و برنامه‌ها

در اینجا باید به صورت جزئی‌تر به مبحث چگونگی پیردازیم یعنی ببینیم برای دست یافتن به هر کدام از ویژگی‌هایی که در تعریف طلبه موفق گذشت چه برنامه‌ای را باید در پیش گرفت.

### اسلام شناسی:

**راهبردها:** تقوا، مطالعات راهبردی منابع، مطالعات راهبردی تاریخ، تفکر و تدبیر، ولایت مداری، انسان شناسی و جامعه شناسی

۱- **تقوا:** که هم هدف است یعنی هدف از تمام این دستگاه هدایتی همین است که ما به رشد و کمال انسانی خود برسیم و هم وسیله است به این معنا که اگر ما با مراعات مراحل ابتدائی تقوا، زمینه نفسانی را در خود فراهم نکنیم آن شناختی از اسلام و حقایق دینی که مورد انتظار است در جان ما جای نخواهد گرفت حتی اگر هزاران بار اسلام را مطالعه کنیم چون:

اولاً درک بسیاری از معارف و حقائق پاکی باطن لازم دارد «لا یمسئه آلا المطهرون»<sup>۱۶</sup>

ثانیاً پیروی از خواهش‌های نفسانی دیده و قلب انسان را تنگ کرده و زیر بار پذیرش حق نمی‌رود «فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً»<sup>۱۷</sup> چنین انسانی همه چیز را با منافع و هواهای خود می‌سنجد و تفسیر می‌کند یعنی می‌خواهد مسائل را همانطوری بفهمد که دوست دارد و همانطوری تحلیل کند که فکر می‌کند درست است پس او حقایق اسلام را آنطوری که هستند نخواهد شناخت.

ثالثاً تقوا باعث جلب توفیقاتی از جانب خداوند متعال می‌شود که بدون شک در مسیر شناخت عمیق اسلام به آنها نیاز داریم.

## ۲- مطالعات راهبردی منابع اسلامی: منابع اسلام سه تاست: قرآن، قول

معصوم(ع) و سیره معصوم(ع)؛ این سه منبع را به دو صورت می‌توان مورد مطالعه قرار داد یکی اینکه در آنها فرو برویم و با مطالعه بخش‌هایی از آنها و ریز شدن در آنها به یکسری مطالب و معارفی برسیم که بعضاً ممکن است بسیار جذاب و مفید هم باشد و دیگر اینکه قبل از فرو رفتن در جزئیات و ریز شدن در آنها بیشتر با نگاه کلی آنها را مطالعه کنیم نگاهی که علاوه بر آشنائی با معارف و تعالیم موجود در این منابع بیشتر به دنبال یافتن آن نظام و روابط حاکم بر این معارف است نگاهی که می‌خواهد همه این گزاره‌ها را در قالب یک دستگاه کاملاً منسجم ببیند؛ لازمه مطالعه نوع اول این است که مثلاً یک آیه از قرآن را می‌گیرد و با گذاشتن وقت زیادی بر روی آن و مراجعه به تفاسیر و روایات در حول آن سعی می‌کند تمام زوایای آن را کشف کند البته این نوع مطالعه زودبازده است یعنی انسان در مدت زمان کمی به یکسری معارف جذاب می‌رسد به همین دلیل اکثراً دنبال این نوع مطالعه هستند اما باید گفت که اینصورت از مطالعه منابع اسلامی به تنهایی معلوم نیست ما را به آن شناخت تفقهی از اسلام برساند و یا حداقل

این است که مدت زمان آن را بسیار طولانی می‌کند آن شیوه‌ای که به دنبالش فهم تفقهی اسلام اتفاق می‌افتد شیوه دوم است، البته اسلام باید به هر دو شیوه مورد مطالعه قرار بگیرد و هیچکدام به تنهایی کافی نیست اما بر فرض دوران امر بین یکی از آن دو برای یک فرد، اولویت با شیوه دوم است که چنانچه بیان شد در آن علاوه بر آشنائی با تمام زوایای دین به کشف ارتباط بین آنها و نظام حاکم بر آنها هم پرداخته می‌شود.

بنابراین توصیه اندیشمندانی که خود به این نوع نگاه تفقهی به دین رسیده‌اند همین است که در ابتدا منابع دینی با لحاظ همه معارف آنها و با رفت و برگشت‌ها و تکرار فراوان و با دو هدف مورد مطالعه قرار بگیرد یکی آشنائی با همه معارف و دیگر رسیدن به آن نگاه سیستمی. این بخش از توصیه‌های حضرت آقا (حفظه الله) را ملاحظه نمائید:

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود.

۱۳۸۹/۰۴/۲۴

یک نکته‌ی دیگر در مورد پژوهش‌های قرآنی این است که پژوهنده‌ی قرآنی باید با مجموع قرآن مانوس باشد. ۱۳۸۸/۰۷/۲۸

**۳- مطالعه تاریخ:** که باید در سه بخش تاریخ نقلی، تاریخ تحلیلی و تاریخ تطبیقی انجام شود البته با دید کلی نگر؛ مطالعه تاریخ به شدت برای دستیابی به یک نگاه بصیر و ژرف اندیش و آینده‌نگر مفید و ضروری است، مطالعه تاریخ قدرت تحلیل مسائل را بالا می‌برد، توان برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی را ارتقاء می‌بخشد و صبر و تحمل انسان را در برابر ناملایمات مسیر رهبری جامعه افزایش می‌دهد علاوه بر اینکه بخش مهمی از معارف اسلام در رفتار فردی و اجتماعی معصومین (ع) منعکس شده که باید آنها را در تاریخ جستجو کرد و اما مهم‌ترین بخش‌های تاریخ که مد نظر ماست:

\* تاریخ اسلام از ظهور آن تا آغاز غیبت کبری.

\* حوادث تاریخی نقل شده در قرآن.

\* تاریخ تمدن اسلام به صورت تطبیق با تاریخ تمدن غرب.

\* تاریخ جریان‌ات سیاسی جهان اسلام و ایران در سده‌های اخیر مخصوصاً

مشروطه تا امروز.

\* بخش‌های مهم تاریخ جهان که به ارتقاء فهم سیاسی ما کمک می‌کند.

۴- **تفکر و تدبیر:** مطالعه منابع اسلامی حتماً باید همراه با تفکر و تدبیر باشد چون

خداوند متعال دستیابی به بخشی از حقائق را در همین قرار داده است که هر شخصی

خودش به تدبیر در آیات الهی بپردازد، سخنان رهبران را در این زمینه بنگرید:

تدبرهای شخصی در قرآن، کمک می‌کند به اینکه ما وقتی در یک موضوع

خاصی در قرآن دنبال حقائق می‌گردیم، درباره‌ی آن موضوع بتوانیم راه به جایی ببریم.

۱۳۸۸/۰۷/۲۸

مخصوصاً رسیدن به آن نظام حاکم و فهم نحوه ارتباط گزاره‌های دینی حتماً نیاز

به تفکر و تدبیر دارد؛ اگر در بین دانشمندان اسلامی جستجو کنید خواهید دید هر کدام

که بیشتر اهل تفکر بوده‌اند درهای جدیدتر و بیشتری از اسلام را به روی بشریت

گشوده‌اند و این ویژگی در آثار مکتوب و عملی آنها به خوبی نمایان است.

۵- **ولایت مداری:** قطعاً بهترین اسلام شناس و بصیرترین فرد در هر زمانی ولیّ

و امام آن زمانه است و الاً خداوند به او اجازه نیابت از امام زمان(عج) را نمی‌داد، او

بهترین کسی است که می‌تواند قوانین اسلام را با شرایط زمانه تطبیق دهد به همین جهت

سخن و سیره عملی او که طبق مبانی ناب اسلام صادر می‌شود، عقل‌ها را در مسیر فهم

درست اسلام راهبری می‌کند.

۶- انسان شناسی، جامعه شناسی، جهان شناسی: قطعاً دستورات اسلام متناسب با قوانین و سنت‌های حاکم بر وجود ما و جامعه ما و جهان ما تنظیم شده است پس شناخت عمیق اسلام متوقف بر این است که ما این سنت‌ها را بدانیم و این یعنی اینکه باید دائم احوالات خود و جامعه خود را زیر نظر داشته باشیم و با اضافه کردن مطالعه تاریخ جوامع مختلف و مقایسه آنها با جامعه خود و تفکر و تدبّر در حوادث آنها و چگونگی ارتباط آن حوادث با یکدیگر کم‌کم به آن سنت‌ها پی ببریم، بنابراین اسلام شناسی بدون آگاهی از زمانه و حضور فعال و آگاهانه و هدفمند در جامعه دست یافتنی نیست.

### راهکارها:

۱- برنامه‌مراقبه و خودسازی.

۲- انس با قرآن در قالب مطالعه و تدبّر منظم و مستمر:

برای دستیابی به هدف اسلام شناسی باید بر تمام قرآن به صورت یکجا تسلط پیدا کرد چون اولاً ما معتقدیم که: «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضاً» یعنی آیات قرآن با یکدیگر تفسیر می‌شوند بنابراین اگر بخواهیم به قرآن به صورت بخشی و جزیره‌ای نگاه کنیم خطر کج فهمی و یا ساده انگاری قرآن ما را تهدید خواهد کرد و ثانیاً برای کشف نظام حاکم بر هر موجود دارای نظمی در ابتدا باید از جزئی نگری به آن تا حدی صرف نظر کرد و با دید کلی نگر و سیستمی آن را مورد مطالعه قرار داد مانند مطالعه یک شهر به وسیله نقشه به جای راه افتادن در خیابان-های آن؛ و تنها راه رسیدن به این تسلط، تلاوت فراوان قرآن است و شیوه‌ای که رهبر گرانقدرمان به آن توصیه نموده‌اند همین است، ایشان می‌فرمایند:



باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف

قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

استاد صفائی حائری در کتاب روش برداشت از قرآن در این زمینه اینچنین

می‌فرمایند:

در قسمت تفسیر نمی‌توان قرآن را جز با خودش توضیح داد و نمی‌توان آن را با حرف‌ها و رأها و استحسان‌ها تفسیر کرد؛ قرآن کتابی پراکنده است چون قرآن کتاب حادثه‌هاست و پیداست که حادثه‌ها هماهنگی ندارند و منظم نیستند. حالا که قرآن به این پراکندگی می‌رسد ناچار کسانی که می‌خواهند آن را از سرچشمه بنوشند و به تفسیر قرآن دست یابند باید بر تمام قرآن مسلط باشند تا در سایه‌ی این تسلط، آیه‌هایی که به یکدیگر نظر دارند در کنار هم جمع شوند و بارور گردند، تسلط دارویی است که آیه‌های پراکنده و عقیم را بارور می‌کند.

۳- انس با احادیث با یک سیر منظم و حساب شده:

جایگاه ارزشمند و اهمیت احادیث به عنوان دومین منبع دین اسلام کاملاً

روشن است، امام خامنه‌ای (حفظه الله) در این زمینه می‌فرمایند:

پس از تمسک به کتاب حکیم حمید، برترین وظیفه‌ی بی است که عالم دین بدان مکلف است، این، استضاءه از انوار علم و حکمتی است که از کلام و تعلیم و هدایت پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله) و ائمه‌ی معصومین از اهل بیت آن حضرت علیهم الصلوه و السلام ساطع می‌گردد و خرد و اندیشه‌ی انسانی را دستگیری و راهنمایی، و زندگی بشر را برخوردار از سلوک حکیمانه و خردمندانه می‌کند.

۱۳۷۴/۸/۲۲

برای شروع کار با احادیث نیز همان روش کار با قرآن باید در پیش گرفته شود یعنی همان انس دائمی در قالب رفت و برگشت‌ها، تکرارها، تأمل‌ها و تدبیرها و نگاه کلان و نظام‌مند به مجموعه معارف حدیثی، چون در این جا هم لازم است که ذهن ما با منظومه حاکم بر این معارف آشنا شود و الا صرف اکتفا کردن به یکسری معارف پراکنده حدیثی که بر اساس مبانی، نظام و ساختاری نیافته‌اند ممکن است حتی باعث انحراف و کج فهمی هم بشوند کما اینکه تقطیع سخنان یک گوینده گاهی منظور او را کاملاً به عکس می‌فهماند پس یک طلبه باید سعی کند به کمک انس مداوم با احادیث، کم کم به یک شناخت کامل و جامعی از معارفی روایی دست پیدا کند.

#### ۴- انس با ادعیه:

ادعیه در زمره احادیث هستند و بسیاری از مبانی معرفتی مهم در آنها نهفته است اما اکتفا کردن به جنبه معنوی و عبادی دعاها متأسفانه ما را از معارف گرانتیمنت آنها تا حد زیادی محروم کرده است پس لازم است برای ادعیه حساب جداگانه‌ای باز شود و به طور ویژه به مطالعه و تدبیر در آنها پرداخته شود، این بیان ارزشمند رهبر انقلاب (حفظه الله) را ملاحظه نمائید:

در دعاهاى معتبر خيلى معارف وجود دارد كه انسان اينها را در هيچ جا پيدا نمى‌كند؛ بعضى از مفاهيم جز با زبان دعا و تضرع و گفتگو و نجواى با پروردگار عالم اصلاً قابل بيان نيست. لذا ما در روايات و حتى در نهج‌البلاغه از اين گونه معارف كمتر مى‌بينيم؛ اما در صحيفه‌ى سجديه و در دعائى كميل و در مناجات شعبانیه و در دعائى عرفه‌ى امام حسين و در دعائى عرفه‌ى حضرت سجاد و در دعائى ابوحمزه‌ى

ثمالی از این‌گونه معارف، فراوان می‌بینیم. از دعاها غفلت نکنید؛ به دعاها پردازید.

۱۳۸۴/۷/۱۷

۵- انس با سخن و سیره عملی امام جامعه: یعنی اولاً باید با منظومه شناختی او از اسلام آشنا شد و ثانیاً حوادث و جریانات اجتماعی را خوب رصد کرده و نحوه مدیریت و بیانات ایشان را در همه آنها با دقت پیگیری نموده و با بیطرفی تحلیل و بررسی کرد و ثالثاً با جان و دل از او پیروی کرده و در راستای تحقق منویات او تلاش نمود.

۶- مطالعه آثار اندیشمندان اسلام شناس: برای دوره سطح خوب است که طبق برنامه معاونت تهذیب حوزه یک دور کتاب‌های شهید مطهری مطالعه شود و بعد از آن کتاب‌های مربوط به بیانات رهبر فرزانه امام خامنه‌ای (حفظه الله) و در ادامه طبق شرائطی که دارید سعی کنید به طور مداوم با آثار حضرت امام (رحمه الله علیه)، آیت الله مصباح، شهید بهشتی، علامه عسکری، آیت الله شاه‌آبادی، شهید صدر و اینگونه اشخاص در ارتباط باشید.

۷- سیر مطالعاتی تاریخ: فعلاً همان سیر مطالعاتی معاونت تهذیب را پیشنهاد می‌دهیم البته با دقت در اینکه شما باید سیر کلی تاریخ، تقدّم و تأخّر حوادث و علل اصلی وقوع آنها را در مرحله‌ی تاریخ نقلی کاملاً به ذهن بسپارید به طوری که مثلاً بتوانید یک سیر اجمالی اما شامل، مرتّب و مرتبط الاجزاء از تاریخ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از حفظ بیان کنید.

۸- گذراندن دوره طرح ولایت.

۹- خوب خواندن دروس حوزه.

## برنامه‌ها:

آنچه در این بخش ارائه می‌شود برنامه‌هایی کاملاً پیشنهادی است که هر یک از شما می‌توانید آنها را با شرایط و توان خود متناسب سازی کنید، شما فقط ملزم به مراعات اصول و راهکارهایی که گذشت هستید پس می‌توانید طبق آنها برنامه‌ای ویژه خودتان طراحی کنید چون شرط مهم برنامه، توان عمل به آن است.

نکته دیگر اینکه این برنامه‌ها فعلاً برای ۶ سال اول تنظیم شده است و این بدان معنا نیست که بعد از ۶ سال، کار تمام است بلکه تازه اول راه است و مراحل بعدی کار را باید در ادامه مسیر طلبگی پشت سر بگذارید تا به هدف نهایی خود برسید ان شاء الله، البته ما نیز سعی می‌کنیم که در اولین فرصت، برنامه سال‌های بعد را نیز خدمت دوستان عزیز طلبه ارائه دهیم.

## برنامه انس با قرآن

### اهداف کلان ۶ ساله:

- مهمترین آنها نزدیک شدن به نظام فکری قرآنی از راه تسلط نسبی بر قرآن است.
- درک نسبی طرح کلی قرآن و طرح کلی هر سوره همراه با تسلط بر بیان آن.
- تسلط نسبتاً خوب بر فهم و بیان ادبی و تفسیری و ترجمه‌ی تمام آیات.
- تسلط بر مهم‌ترین موضوعات قرآنی و سامان یافتن آیات مربوطه در ذهن طلبه.
- دستیابی به یک زبان اجمالاً قرآنی به طوری که بتواند اغلب با آیات قرآن سخن بگوید و جواب دهد.

## اهداف دو سال اول:

- انس اجمالی با خود آیات، تجزیه و ترکیب و ترجمه‌ی آنها و معانی لغات.

- آشنائی اجمالی با شأن نزول آیات.

- آشنائی ابتدائی با مفاهیم و تفسیر آیات

### برنامه:

از روی کتاب «ذکر مبارک» یا «تذکار وحی» هر روز حتی روزهای تعطیل (به جز جمعه‌ها) و حتی در تابستان یک صفحه که معادل یک صفحه قرآن است را به این شکل کار کنید:

۱- ابتدا آن صفحه را قرائت نمائید که اگر این کار همراه با صوت ترتیل صورت گیرد خیلی بهتر است.

۲- ترجمه‌ی لغات را ببینید و به آنها دقت کنید.

۳- حالا سعی کنید خودتان آیات را ترجمه کنید.

۴- در نهایت، ترجمه و تفسیر آیات را بخوانید به صورتی که به خوبی آیات را بفهمید و مضمون آنها را درک کنید.

۵- صفحه‌ی مطالعه شده را باید مرتباً مرور کنید تا مفاهیم و مضامینی را که درک کرده‌اید در ذهن بماند، اگر بتوانید هر صفحه را ۸ الی ۱۰ مرتبه در طول سال مرور کنید عالی است اما در غیر اینصورت سعی کنید در طول یک ماه اول حداقل ۴ مرتبه صفحات خوانده شده را مرور کنید و کیفیت مرورها به این صورت باشد که شروع به قرائت آیات کرده و سعی کنید در حین قرائت، ترجمه و مفاهیم آیات را به ذهن آورید و اگر جایی را فراموش کرده بودید یک گوشه نگاهی به ترجمه بیندازید.

البته اگر این توصیه‌ی رهبر عزیزمان را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار دهید همه‌ی برکات انس با قرآن را یکجا به دست خواهید آورد، ایشان می‌فرمایند:

هر کدام از شماها یک نسخه‌ی قرآن در جیب بغلتان داشته باشید؛ اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغت‌ی پیدا می‌کنید - یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم ساعت - قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید، تا با این کتاب انس پیدا کنید. تعدادی که این طور عمل کرده بودند، هرچند بسیار اندک بودند، لیکن احساس می‌کردم که اینها با این‌که غالباً هم عربی نمی‌دانستند، اما از لحاظ فهم معارف اسلامی، از دیگران برجسته‌تر بودند و به طور ممتازی با آنها تفاوت داشتند. ۱۳۷۰/۱۱/۳

## اهداف دو سال دوم:

در پایان این دو سال همان مهارت‌های دو سال اول یک پله ارتقاء خواهد یافت به این معنا که:

- باید طلاب عزیز با تسلط بیشتری بتوانند معانی لغات را بیان کرده و آیات را تجزیه و ترکیب، ترجمه و تفسیر کنند.

- باید طرح کلی هر سوره و مضامین کلی آن و بعضی مشخصات سوره را از حفظ بگویند.

- بتوانند جلسات یا کلاس‌های قرآن تشکیل داده و تفسیر قرآن بگویند و حتی در قالب آموزش ادبیات، شیوه‌ی ترجمه‌ی قرآن را یاد دهند.

## برنامه:

به همان شیوه‌ی دو سال قبل، مطالعه‌ی قرآن ادامه پیدا می‌کند با این تفاوت که این بار با یک متن تفسیری دیگری کار ادامه پیدا می‌کند اما در کنار آن با توجه به سرفصل‌های از قبل تعیین شده به فعالیت‌های زیر نیز پرداخته می‌شود:

۱- علاوه بر مطالعه‌ی تفسیر سوره باید خودتان مضامین و موضوعات کلی سوره را استخراج کرده و به صورت درختواره نوشته و از حفظ بیان کنید، همچنین باید بتوانید خلاصه‌ای از سیر مباحث سوره و مشخصاتی درباره‌ی آن را نیز در قالب کنفرانس مطرح کنید.

۲- به تفسیر عمیق‌تر بعض آیات منتخب پردازید.

۳- علاوه بر اینها کار فقه اللغه را نیز آغاز کرده و درباره‌ی بعض لغات کار پژوهشی انجام دهید.

### اهداف دو سال سوم:

در پایان این مرحله نیز توقع داریم یک پله‌ی دیگر همان توانائی‌های چهار سال قبل افزایش یابد و طلبه با تسلط نسبتاً خوبی به بیان تفسیر قرآن پردازد به طوری که فی البدایه هر جای قرآن را بتواند ترجمه و تفسیر کند و معانی لغات را به خوبی حفظ باشد.

### برنامه:

باید مطالعه‌ی قرآن را به همان شیوه‌ی قبل انجام دهید اما این دفعه با تفسیر شریف‌المیزان و یا به صورت گزینشی در قالب پژوهش در تفاسیر و همچنین برگزاری کلاس و جلسات قرآنی با قوت بیشتری باید پیش رود در این مرحله علاوه بر مطالعه‌ی ترتیبی، باید با توجه به موضوعات انتخاب شده و با جمع آوری آیات مربوط به آن و بررسی آنها، دیدگاه قرآن را در آن موضوع تبیین کنید که کتاب‌های «المعجم المفهرس» در این زمینه بسیار به شما کمک می‌کنند.

## برنامه انس با احادیث

### سال اوّل:

نام کتاب	مؤلف	توضیحات	دستور مطالعه
حکمت نامۀ جوان	آیت الله ری شهری	برای نیمسال اول و دوم	احادیث کوتاه تر مطالعه شود
الدّرۃ الباهره	منسوب به شهید اول-قرن ۵		تماماً مطالعه شود
نهج البلاغه	سید رضی-قرن ۴	تابستان پایۀ اول مطالعه شود	۲۰۰ حکمت اول
اصول کافی	محمدبن یعقوب-کلبنی-قرن ۳		کتاب العشره

### سال دوّم:

نهج البلاغه	سید رضی-قرن ۴	حکمت ۲۰۰ تا آخر	
اصول کافی	محمدبن یعقوب-کلبنی-قرن ۳	کتاب فضل العلم	
منتخب میزان الحکمه	محمدی ری شهری-معاصر	جلد اول - روایات کوتاه و آسان مطالعه شود	
صحیفه سجّادیّه	امام سجّاد <small>علیه السلام</small>	شرح سید علی خان مدنی در این زمینه مناسب است	تا دعای هشتم



### سال سوّم:

متنخب میزان الحکمه	محمدی ری شهری-معاصر	جلد دوم - روایات کوتاه و آسان مطالعه شود
اصول کافی	محمدبن یعقوب- کُلینی-قرن ۳	کتاب فضل القرآن
صحیفه سجّادیه	امام سجّاد <small>علیه السلام</small>	شرح سید علی خان مدنی در این زمینه مناسب است از دعای ۸ تا ۲۱
نهج البلاغه	سید رضی-قرن ۴	نامه‌های ۶۹ (به حارث همدانی) و ۳۱ (به امام حسن علیه السلام)

### سال چهارم:

مفاتیح الحیاء	آیت الله جوادی آملی	یکدوره سبک زندگی اسلامی	تماماً مطالعه شود
صحیفه سجّادیه	امام سجّاد <small>علیه السلام</small>	شرح سید علی خان مدنی در این زمینه مناسب است	دعای ۲۱ تا ۳۵
اصول کافی	محمدبن یعقوب- کُلینی-قرن ۳	کتاب العقل و الجهل	
نهج البلاغه	سید رضی-قرن ۴	با کمی دقت در شروع و ترجمه‌ها	خطبه همام، قاصعه و ششقیه

### سال پنجم:

صحیفه سجّادیه	امام سجّاد <small>علیه السلام</small>	شرح سید علی خان مدنی در این زمینه مناسب است	دعای ۳۶ تا ۴۶
اصول کافی	محمدبن یعقوب- کُلینی-قرن ۳	کتاب الايمان و الکفر	
نهج البلاغه	سید رضی-قرن ۴	با کمی دقت در شروع و ترجمه‌ها	مرور حکمت‌ها

### سال ششم:

دعای ٤٣ تا آخر	شرح سید علی خان مدنی در این زمینه مناسب است	امام سجّاد <small>علیه السلام</small>	صحیفه سجّادیه
کتاب الحجّه		محمد بن یعقوب - کلینی - قرن ٣	اصول کافی
نامه ٥٣ (به مالک اشتر)	با کمی دقت در شروع و ترجمه‌ها	سید رضی - قرن ٤	نهج البلاغه

### توصیه‌ها:

- \* سعی کنید علاوه بر مطالعه فردی احادیث، در ابتدای هر مباحثه درسی، زمانی را به قرائت حدیث اختصاص دهید.
- \* مطالعه حدیث مثل قرآن کار هر روزتان باشد و نگذارید هیچ روزی ترک شود اگر چه به مطالعه یک حدیث باشد.
- \* گاهی اوقات درباره بعض احادیث به گفتگو نشسته و درباره مضمون آنها فکر کنید.
- \* دیگر دوستان طلبه خود را توصیه به مطالعه احادیث کنید و این سیر را به آنها معرفی نمایید.
- \* همین احادیث مورد مطالعه را تمرین صرف و نحو و لغت قرار دهید و هر روز مقداری به تجزیه و ترکیب آنها بپردازید.
- \* حتماً **برنامه حفظ حدیث** داشته باشید که به صورت شگفت آوری درزندگی و در سخن گفتن شما تاثیر گذار است و در بیانات گهربار ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز توصیه‌های زیادی به آن شده است، امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند:

مَنْ حَفِظَ مِنْ أَحَادِيثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَعِيهَا<sup>۱۸</sup>؛

هر که چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند خدا او را روز قیامت عالم و فقیه مبعوث کند.

بهترین برنامه‌ای که در این زمینه به شما طلاب عزیز پیشنهاد می‌دهیم این است:

۱- بهره برداری از پاره وقت‌ها:

بخش عمده‌ای از اوقات ما را خُرده وقت‌هایی که در لابلای برنامه‌ها و یا اتفاقات پیش می‌آیند، تشکیل می‌دهند (مثل زمانهای رفت و آمد، صفهای خرید، در مسافرت و...) که اگر از آنها بهره برداری نشود به جدّ دچار خُسران بزرگی شده‌ایم اما اگر با یک برنامه ریزی و تصمیم جدّی از بخشی از آنها در مسیر حفظ حدیث بهره ببرید بعد از مدّتی به طور ناباورانه‌ای خواهید دید مقدار زیادی حدیث حفظ شده‌اید.

۲- تهیّه کارت‌های همراه:

در اولین فرصت کارت‌های کوچکی را با مقوّا درست کرده و یک طرف آن حدیث و طرف دیگر، در صورت لزوم ترجمه را نوشته و همیشه همراه خود داشته باشید و در هر پاره وقتی کارت‌ها را بیرون آورده و مشغول حفظ یا مرور حفظیات قبلی شوید، در این صورت از تمام ساعات عمر خود بهره مفید برده‌اید.

۳- انتخاب احادیث:

سه ملاک را ابتداءً در این زمینه مدّ نظر قرار دهید: یکی ذوق خودتان یعنی هر حدیثی که به مذاقتان خوش آمد آن را در دستور حفظ قرار دهید، دوم اینکه سعی کنید در

آغاز کار احادیث کوتاه را انتخاب کنید و سوم اینکه از هر معصومی احادیثی در دستور حفظ قرار گیرد.

۴- استفاده از حفظیات:

\* برنامه‌ای بریزید که در مدرسه یا مسجد محلّ یا در خانه و یا در هر جای دیگر که امکان دارد، بلافاصله بعد از هر نمازی یک حدیث کوتاه با صدای بلند برای دیگران بخوانید، این کار علاوه بر کمک به یادسپاری احادیث، بسیار برکت دارد و یا در گفتگوها و پرسش و پاسخ‌ها سعی کنید به آیات قرآن و احادیث استناد کنید و البته حتماً متن عربی آنها را هم بخوانید و هرگز فقط به ترجمه اکتفا نکنید.

### برنامهٔ انس با ادعیه

#### سال اوّل:

کتاب مفاتیح نوین (آیت الله مکارم شیرازی) به صورت ذیل مطالعه شود تا اجمالاً با اعمال عبادی که یک مسلمان در طول سال و ماه و روز باید انجام دهد و با آنها انس داشته باشد آشنا شوید:

۱- مطالعهٔ کامل فهرست ۲- مطالعهٔ مقدمهٔ کتاب ۳- حفظ دعاهای قرآنی

۴- بعد از این کلّ کتاب تورّق شده و هر کجا مؤلف توضیحاتی دارند خواننده شود مخصوصاً از بخش اعمال ماه‌ها به بعد که سرفصل و توضیحات هر عملی مطالعه شود و خود دعاها فقط تورّق شود تا آخر کتاب.

از سال دوّم به بعد برنامه این است که با مطالعه مفاهیم و مضامین دعاها به تدریج با معارف موجود در آنها آشنا شویم و علاوه بر این، توجه و حضور ما در حین قرائت این دعاها بیشتر شده و از معنویت و نورانیت آنها بهره مضاعفی ببریم.

**سال دوّم:** ۱- تعقیبات مشهور نمازها ۲- زیارات هر روز ائمه علیهم السلام ۳- دعای اللّهم ارزقنا توفیق الطّاعه ۴- دعای اللّهم بلّغ ۵- دعای عهد ۶- زیارت عاشورا با دقّت بیشتری ۷- دعای توسّل ۸- دعای کمیل

**سال سوم:** ۱- زیارت آل یاسین ۲- زیارت امین الله ۳- زیارات امام حسین علیه السلام در مناسبت‌های مختلف ۴- مناجات امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه ۵- دعا‌های مشهور ماه رجب ۶- صلوات شعبانیه ۷- دعا‌های مشهور و کوتاه ماه مبارک رمضان

**سال چهارم:** ۱- دعای سمات ۲- دعای جوشن کبیر ۳- مطالعه کتاب المراقبات آیت الله ملکی تبریزی یا تکرار مطالعه مفاتیح نوین به همان صورتی که در پایه اول گذشت.

**سال پنجم:** ۱- دعای عرفه ۲- زیارت جامعه کبیره ۳- مناجات خمس عشر

**سال ششم:** ۱- مناجات شعبانیه ۲- دعای ابوحمزه ثمالی ۳- دعای مکارم الاخلاق ۴- مناجات‌های مختلف امیرالمؤمنین علیه السلام

**سال هفتم به بعد:** همین مسیر را ادامه داده و کم‌کم سایر ادعیه و سایر کتاب‌های ادعیه غیر از مفاتیح را ببینید، خلاصه سعی کنید همیشه با دعاها و مطالعه مضامین آنها مأنوس باشید چون اینها دریائی‌اند از معارف که هر چه از آنها برداشت کنید تمام شدنی نیستند.

### برنامه ۶ ساله حفظ ادعیه

حتما یک طلبه کارآمد و موفق چه از جنبه فردی و عبادی و معنوی و چه از جنبه اجتماعی و انجام وظیفه تبلیغ و تربیت، به حفظ بعضی از دعاها نیاز دارد، معنای این سخنان را کسی که بهره‌مند از این توفیقات است خوب درک می‌کند. بنابراین به دوستان طلبه پیشنهاد می‌دهیم که این برنامه حداقلی را در دستور کار خود قرار دهند:

سال اول: ۱- تعقیبات مشهور نمازها ۲- دعا‌های وضو ۳- دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة ۴- دعای اللهم بلغ

سال دوم: ۱- سوره‌های کوچک جزء سی‌ام ۲- دعای توسل

سال سوم: ۱- زیارات ائمه در ایام هفته ۲- زیارت عاشورا

سال چهارم: ۱- دعا‌های بعضی اعمال روز مثل دعای سفره یا دعای ورود و خروج و... ۲- زیارت آل یاسین

سال پنجم: ۱- دعا‌های کوتاه و مهم دو ماه رجب و شعبان ۲- دعای کمیل

سال ششم: ۱- دعا‌های کوتاه و مهم ماه رمضان ۲- دعای ندبه

## سیر مطالعاتی آشنائی با اهداف و رسالت‌های طلبگی

برای شروع کار لازم است شما ابتداءً اهداف و برنامه‌های کلان اسلام و انقلاب اسلامی را بشناسید تا بتوانید بعد از آن، جایگاه و رسالت حوزه‌های علمیه و در نهایت، اهداف و وظایف خودتان را در این منظومه به خوبی بیابید و هر چه شناخت شما از اسلام و انقلاب عمیق‌تر شود شناختتان از خودتان نیز بیشتر خواهد شد. به همین جهت در این سیر مطالعاتی که پیشنهاد می‌دهیم هدف همین است که شما با یک شناخت خیلی کلی از مبانی و اهداف اسلام و انقلاب در یک سیر نزولی به شناخت هویت طلبگی برسید.

و اما سیر مطالعاتی پیشنهادی:

- ۱) درسنامهٔ میثاق طلبگی (استاد عالم زاده) : پایهٔ اول
- ۲) به کجا و چگونه (استاد عالم زاده) : پایهٔ اول
- ۳) جهاد اکبر امام خمینی (رحمة الله علیه) : تابستان پایهٔ اول
- ۴) راه و رسم طلبگی (استاد عالم زاده)، دفتر چهارم : ابتدای پایهٔ دوم
- ۵) احیای تفکر اسلامی (شهید مطهری (رحمة الله علیه) ) : پایهٔ دوم
- ۶) طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن (مقام معظم رهبری (حفظه الله) ) : پایهٔ دوم
- ۷) مقدمهٔ انسان ۲۵۰ ساله (مقام معظم رهبری (حفظه الله) ) : پایهٔ دوم
- ۸) هم‌زمان حسین (ع) (مقام معظم رهبری (حفظه الله) ) : پایهٔ دوم
- ۹) جهاد اکبر امام خمینی (رحمة الله علیه) : ابتدای پایهٔ سوم
- ۱۰) ولایت فقیه (امام خمینی (رحمة الله علیه) ) مخصوصاً مقدمه و بخش آخر: پایهٔ سوم

۱۱) مباحثی درباره حوزه (آیت الله مصباح یزدی (حفظه الله)) بخش اول و دوم و سوم

و هشتم : پایه سوم

۱۲) راه و رسم طلبگی (استاد عالم زاده) دفتر دوم (هویت صنفی طلبه) : پایه سوم

۱۳) سیمای آرمانی طلبه از نگاه مقام معظم رهبری (استاد عالم زاده نوری) اول تا

ص ۵۶ : پایه سوم

۱۴) جهاد اکبر امام خمینی (رحمة الله علیه) : ابتدای پایه چهارم

۱۵) راه و رسم طلبگی (استاد عالم زاده)، دفتر پنجم (طلبه و جهت گیری

تخصصی)، اول تا ابتدای فصل انتخاب تخصص : پایه چهارم

۱۶) راه و رسم طلبگی (استاد عالم زاده)، دفتر سوم (طلبه در دوران رشد و

تحصیل)، اول تا ضمائم : پایه چهارم

۱۷) سیمای آرمانی طلبه (استاد عالم زاده) ص ۵۶ تا آخر : پایه چهارم

۱۸) ولایت، رهبری، روحانیت (شهید بهشتی) مخصوصاً بخش روحانیت : پایه چهارم

۱۹) جهاد اکبر امام خمینی (رحمة الله علیه) : ابتدای پایه پنجم

۲۰) آخوند باید روحانی باشد (مقام معظم رهبری (حفظه الله)) : پایه پنجم

۲۱) بدان آیدک الله (مقام معظم رهبری (حفظه الله)) : پایه پنجم

۲۲) منشور روحانیت (امام خمینی (ره)) : پایه پنجم

۲۳) جهاد اکبر امام خمینی (رحمة الله علیه) : ابتدای پایه ششم

۲۴) طلبه و انتخاب رشته تحصیلی (استاد عالم زاده نوری) : پایه ششم



## برنامهٔ مراقبه

آنچه در اینجا مطرح می‌شود هرگز یک برنامهٔ قطعی و یا حتی کافی نیست چون روحيات و استعدادهاي افراد با يکديگر متفاوت است بنابراین هر کسی نیاز به یک برنامهٔ شخصی دارد اما بالاخره یکسری دستورالعمل‌های عمومی وجود دارد که یقیناً هر کسی که قصد مراقبه دارد باید دیر یا زود به آنها بپردازد و ما فقط به عنوان یک پیشنهاد آنها را در قالب سال‌های تحصیلی می‌گنجانیم تا حداقل این توجه را داده باشیم که نباید از این موارد در مسیر حرکت خود غفلت کرد اما اینکه هر کسی کی و چگونه و چقدر به اینها بپردازد می‌ماند به مشاوره از اساتید و تشخیص خودش.

### سال اول:

- ۱- توبه و ترک گناه که از هر دستور العملی مهم‌تر است و جز با تصمیم به ترک معاصی هیچ قدمی در مسیر خودسازی نمی‌توان برداشت
- ۲- اهتمام ویژه به انجام واجبات و تکالیف و مسئولیت‌ها (که یکی از مهمترین آنها تحصیل علم است)
- ۳- مراقبت شدید همیشگی از نماز اول وقت مخصوصاً نماز صبح
- ۴- احترام والدین و اساتید، تواضع در مقابل آنها و حرف شنوی از آنها
- ۵- دائم الوضو بودن مخصوصاً برای کلاس درس و موقع خواب شب

- ۶- ترک اعتیاد به گوشی همراه و فضای مجازی
- ۷- قرائت قرآن روزانه به هر اندازه که می‌توانید
- ۸- اهتمام به تعقیبات نمازها
- ۹- قرائت زیارت هر روز ائمه علیهم‌السلام بعد از نماز صبح
- ۱۰- نماز غفیله
- ۱۱- انس گرفتن با قرائت دعای کمیل و توسل و زیارت عاشورای هفته‌ای یکبار
- ۱۲- شرکت در نماز جمعه
- ۱۳- پیاده روی ۲۰ دقیقه اول صبح
- ۱۴- توجه شدید به اینکه چه دوستی انتخاب می‌کنیم و چگونه با یکدیگر روابط دوستانه برقرار می‌کنیم

### سال دوم:

- ۱- برنامه‌های سال قبل (مخصوصاً ترک گناه) به صورت بهتر و جدی‌تر ادامه پیدا کند
- ۲- نافله صبح و عشاء ۳- روزه وسط و آخر ماه ۴- مراقبت شدید از استفاده به جا از گوشی همراه و فضای مجازی ۵- انس با دعای ندبه ۶- بیداری بین الطلوعین ۷- دست کشیدن از طعام قبل از سیری

### سال سوم:

- ۱- دستورات سالهای قبل (به ویژه ترک معصیت) با اخلاص بیشتر و جدی‌تر

ادامه پیدا کند

- ۲- مراعات مستحبات قبل از نماز مثل ادعیه وضو، پوشیدن لباس مناسب و...
- ۳- مراقبت بیشتر در طول روز
- ۴- محاسبه هفتگی
- ۵- بیداری سحر به اندازه ۱۰ دقیقه
- ۶- رفتن به قبرستان در اوقات خلوت همراه با تفکر و توجه
- ۷- از تغذیه خود مراقبت کند که هر چیز بی خاصیتی را به این بهانه که گرسنه‌ام یا خوشش می‌آید نخورد مخصوصاً تنقلات
- ۸- به شدت از چشم و نگاه‌ها محافظت شود.

### سال چهارم:

- ۱- برنامه‌های سالهای قبل (مخصوصاً ترک حرام) با جدیت بیشتر ادامه پیدا کند
- ۲- مراقبه و توجه در طول روز، محاسبه و تفکر
- ۳- معاتبه و تنبیه خود بابت بعضی از خطاها
- ۴- نماز شفع و وتر را در سحرها به صورت کوتاه یعنی در عرض همان ۱۰ دقیقه مراقبت کند
- ۵- مراقبت از اعمال ماه‌ها تا جائی که حال و وقت دارد
- ۶- قرائت ماهی یکبار جامعه کبیره
- ۷- قرائت دعای سمات عصرهای جمعه
- ۸- مراقبت شدید از شکم و چشم

### سال پنجم:

۱- روند سال‌های قبل (که مهمتر از همه ترک محرّمات است) با توجّه بیشتر و جدّی‌تر ادامه پیدا کند

۲- مراقبت از بعض مستحبات و مکروهاتی که هدفشان جهت دادن و اصلاح اعمال روزانه ماست مانند نحوه آب خوردن، ناخن گرفتن، خوابیدن، نحوه ورود و خروج به مکان‌ها، لباس پوشیدن، دعا‌های مخصوص هر یک از این اعمال و...

۳- توسّلات و توجّهات بیشتر و با معرفت‌تر به طوری که هیچ روزی بدون توسّل آغاز نشود و در طول روز نیز از توجّه به اهل بیت علیهم‌السلام غفلت نکند

۴- مراقبت از فکر در همه حالات مخصوصاً نماز

۵- نافله مغرب

۶- مقداری بیداری بیشتر در سحر همراه با قنوت وتر مفصل‌تر

۷- محافظت شدید از شکم و چشم و زبان

### سال ششم:

۱- اعمال و برنامه‌های قبلی (از جمله ترک گناه) با توجّه بیشتری ادامه داشته باشد

۲- نافله‌ها بیشتر شود

۳- زیارت مشاهد مشرفه با آداب و معرفت و توجّه بیشتر انجام شود و در این

زمینه مطالعاتی از توصیه‌های علماء در باب زیارت مطالعه شود

۴- اگر تا الان خوب پیش آمده باشد حالا دیگر این آمادگی فراهم شده که به مبارزه با نفس در باب اخلاق رذیله برود البته این به آن معنا نیست که تا قبل از این مجاز بود هر اخلاقی را از خود بروز دهد بلکه منظور این است که از این به بعد باید با جدیت بیشتر و مراقبت شدیدتر به تخلیه صفات ناپسند پردازد صفاتی مثل عُجب، ریا، خودخواهی، عصبانیت بیجا، حبّ تمجید و تشویق، لجاجت و...

### سال هفتم به بعد:

۱- به همان منوال قبل، مبارزه خود را تا آخر عمر باید ادامه داد

۲- باید کم کم خود را با صفات حسنه بیارائیم و با اخلاق نیکوی خود لذت خوب بودن را بچشیم و به دیگران بچشانیم صفاتی مانند اخلاص، تواضع و فروتنی، گذشت، ایثار، سعه صدر، خوش اخلاقی، مهربانی و...

هشدار: خطرناکترین دام در مسیر خودسازی این است که انسان لحظه‌ای فکر کند دارم خوب می‌شوم پس دائماً در دعاها و توسلات بخواهید که خداوند ما را از وسوسه‌های شیطانی در همه حال حفظ کند و همیشه به این مطلب توجه کنید که من هیچ ندارم و اگر چیزی هم باشد فقط فضل و عنایت خداست و من هر چه دارم از اوست.

این جزوه در حال تکمیل است

سید مرتضی خلیلی

تابستان ۱۴۰۰

والسلام